

به دفاع از مبارزات کارگران ایران برخیزیم!

آغاز ششمین سال انتشار کارگر تبعیدی

مؤسس چنین تشکلی دست بکار شدند و طی نشست دو روزه در ۱۶ و ۱۷ آوریل ۱۹۸۸ در شهر بن آلمان، چارچوب پلتفرم، اهداف و وظایف خود را تعیین نمودند و بر نام «جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران» به توافق رسیدند. این تشکل در اول ماه مه ۱۹۸۸ با انتشار بقیه در صفحه ۲

سیاسی، و فعالیت در چارچوب مسائل پناهندگی. ایده ایجاد تشکل مستقل کارگران پناهنده در چنین شرایطی ظهور یافت و به همین منظور تعدادی از کارگران - که عمدتاً در ایران کارگر بوده اند و تازه به اروپا پناهنده شده بودند - بعنوان هیئت

با انتشار این شماره نشریه، کارگر تبعیدی ششمین سال انتشار خود را آغاز می کند. کارگر تبعیدی که بصورت گاهنامه منتشر می شود، طی پنج سال گذشته در بیان نشریات خارج کشور کم کم جای خود را باز کرد و تداوم خود را تثبیت نمود. نشریه ما دارای ویژگیهای خاص خود است، و خوانندگان خاص خود را دارد: نشریه ای که بدست کارگران نوشته می شود، و خوانندگانی که یا خود کارگر بوده و یا علاقمند به مسائل کارگری اند.

ششمین مجمع عمومی انجمن برگزار شد!

با وجود اینکه مسائل و موضوعات بسیار متنوعی در دستور کار نشست قرار داشت، اما از آنجا که برنامه ریزی دقیقی برای زمان بندی موضوعات صورت گرفته بود و روحیه کارجمعی نیز جهت پیشبرد بحث ها تسلط داشت، تمامی موضوعات مورد نظر مطرح و در باره شان تصمیم گرفته شد.

ششمین مجمع عمومی انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی در روز ۲۵ ژوئیه ۱۹۹۲ گشایش یافت و بمدت دو روز ادامه داشت. امسال مجمع عمومی در فضای گرم و صمیمانه و با تدارکات و برنامه ریزی کافی برگزار گردید. بحث های ارائه شده در جلسه پخته تر و صریح تر از گذشته بودند و فضای اعتماد متقابل و شورو شوق انجام کارهای مشترک بر جلسه حکمفرما بود.

مجمع عمومی با سرود انترناسیونال بقیه در صفحه ۲

کارگر تبعیدی با امکانات محدود و در شرایط خاصی کار خود را آغاز کرد، اما مسوولانه و مصمم بکار خود ادامه داد و پای انجمن ما، بتدریج رشد کرد. سالهای ۸۷ و ۸۸ دوره رونق فعالیت ایرانیان در خارج کشور بود، که عمدتاً این فعالیتها در محور خلاصه می شد: فعالیت سازمانهای

یادداشتی بر مبارزات مستقل کارگران پیشوفه روده

یکی از مهمترین رویدادهای اخیر آلمان، مبارزات کارگران معدن پتاس «توماس مونستر» واقع در منطقه پیشوفه روده (در ایالت تورینگن) می باشد. مهمترین خود ویژگی این مبارزات را می توان در ابتکار عمل مستقل کارگران جستجو نمود. آنان در بیش از ۱۰ ماهی که از شروع مبارزاتشان می گذرد، نه تنها از پشتیبانی اتحادیه خود، یعنی اتحادیه معدن و انرژی (IGBE) برخوردار نبودند، بلکه عملاً در زودرویی و تقابل با خواست رهبری این اتحادیه، اعتراضات خود را سازماندهی نموده، به پیش برده اند. بقیه در صفحه ۸

در صفحات دیگر میخوانید

- * چشم انداز
- * گزارش کنفد راسیون بین المللی اتحادیه های کارگری آزاد در باره ایران
- * مع بیگارسازی جدید در ایران
- * واگش خانه کارگرد در مقابل گزارش آی سی اف تی یو
- * دهها کارگرد در کرمان کشته شدند
- * ۱۲۰۰۰ کارگری بازنشسته نفت متشکل شده اند
- * آیاعلت بیگاری واردات کالا است
- * وحدت سه اتحادیه در انگلستان
- * نامه اعتراضی انجمن به سفارت ژاپن
- * گوشه هائی از مبارزات طبقه کارگرد در دانمارک
- * مراسم پنجمین سالگرد قتل ام زندانیان سیاسی در لندن
- * اعتراضات کارگران کشتارگاههای دانمارک
- * ما خواهان تشکلهای مستقل خود هستیم
- * علیه تروریسم و جنایت هولناک جمهوری اسلامی اعتراض کنیم
- * مبارزه یک ساله ۸۴ کارگر اخراجی در کانادا
- * صورتجلسه هشتادمین کنفرانس بین المللی کار

زنده باد تشکل های مستقل کارگری!

آغاز ششمین سال انتشار کارگر تبعیدی

دنباله ارسنحه ۱

اطلاعیه هایی با عنوانهای « با گرامیداشت اول ماه مه ، به دفاع از مبارزات طبقه کارگر ایران برخیزیم ! » ، « فراخوان به فعالین کارگری ایران » و « طرح پلاتفرم جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران » به زبان فارسی ، و نیز اعلامیه هائی بنسبیت اول ماه مه با همان مضمون اطلاعاتی های فارسی به زبانهای آلمانی و انگلیسی ، موجودیت خود را اعلام کرد و تلاش برای گردآوری کارگران ایرانی بمنظور ایجاد تشکلی مستقل و سراسری در خارج کشور جهت پشتیبانی از مبارزات کارگران ایران و جلب حمایت کارگران دیگر کشورها از این مبارزات و همدردی آنها برای داشتن حق تشکل مستقل و حق اعتصاب برای کارگران کشور ما ، آغاز گردید. در همین راستا ، در مرداد ماه ۱۳۶۷ (ژوئیه ۸۸) نخستین شماره کارگر تبعیدی از چاپ در آمد ، و چون این کارگران مجبور به ترك دیار خود شده بودند و دوره پناهندگی را دوره تبعید خود می دانستند ، نام کارگر تبعیدی را برای نشریه خود برگزیدند. سرمقاله نخستین شماره کارگر تبعیدی چنین آغاز می شود: « جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران در پاسخ به نیازی مبرم شکل گرفته است ، این تشکل بمنظور شناساندن موقعیتی که کارگران ایران در آن بسر می برند ، مبارزات آنان ، طرح خواسته های آنان و جلب حمایت همزمان بین المللی از مبارزات و خواسته های کارگران ایران بوجود آمده است و این در شرایطی است که طبقه کارگر ایران درگیر نبردی نابرابر با رژیم ضد کارگری و ضد مردمی جمهوری اسلامی است. از اینرو لازم است تا از هر امکائی برای کمک به مبارزه شان استفاده کنیم. »

کارگر تبعیدی - شماره اول - مرداد ماه ۱۳۶۷

با آنکه در شماره های متعدد کارگر تبعیدی جوانب مختلف اهداف و عملکرد این تشکل توضیح داده می شد ، ولی بدلیل آنکه چنین چارچوب فعالیتی در خارج

کشور و خارج از چارچوب سازمانهای سیاسی و بطور مستقل ، برای نخستین بار طرح شده بود ، هنوز جوانب آن اغلب ناآشنا می نمود. علاوه بر آن ، بخاطر فرقه گرایی و بدبینی حاکم بر ایرانیان ، لازم بود برای روشنی بخشیدن به مضمون فعالیت چنین تشکلی وقت و انرژی بسیار صرف شود. با همه کوششی که در جهت ایجاد چنین تشکلی سراسری برای کارگران ایرانی در خارج بعمل می آمد ، اما بکندی پیش می رفتیم. این پروسه حدود یکسال و نیم طول کشید تا سرانجام توانستیم نخستین مجمع عمومی سراسری خود را در ماه سپتامبر ۸۹ برگزار کنیم و هیئت مؤسس جای خود را به هیئت منتخب مجمع عمومی داد. این مجمع ، بدلیلی ، اسم « انجمن کارگران تبعیدی ایرانی » را بجای نام قبلی تصویب نمود ، اما عنوان کارگر تبعیدی را برای نشریه انجمن مناسب یافت . همین طور در تغییر نام بعدی انجمن (انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی) ، نام نشریه انجمن همچنان ثابت ماند .

از سوی دیگر در چارچوب اهداف و وظایف این تشکل - ولی مستقل از آن - در انگلستان نیز تشکلی بنام انجمن کارگران پناهنده ایرانی توسط رفقای کارگر دیگری شکل گرفت ، که این دو تشکل طی پروسه ای به یکدیگر پیوستند. با یکی شدن دو تشکل و ایجاد « انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی » ، تحولی در حیات آن بوجود آمد و راه برای گسترش انجمن هموارتر و تلاشهای پراکنده متمرکز تر گردید. این تحول ، تاثیرات مثبت خود را بر کارگر تبعیدی نیز برجای گذاشت .

مطالب کارگر تبعیدی مطالب کارگری بوده ، که خود کارگران آنرا نوشته اند - حتی اگر هنر نویسندگی در آنها بکار گرفته نشده باشد. حقیقتی است که کارگران ما کمتر قلم بدست گرفته اند و بیشتر ابزار کار تولیدی در دست داشته اند. ادبیات کارگری در کشور ما ضعیف نگه داشته شده و کارگران در تلاش معاش خود امکان بروز

استعدادهای کتبی هنری شان را نیافته . بیسین جهت قلم های ما ظرافت هنرمند نویسندگان حرفه ای و مهارت بی ژورنالیستی را ندارد. بطور غیر حرفه ای انتشارش ، لپ مطلب را میگوئیم و گاه تنویریزه نشده ، ساده ، خشک و زینت بی می کنیم ! با اینسه ، مطالب نشریه مان با بتدریج جا افتاده تر و روان تر می شود ، تلاش خواهیم کرد تقایص گذشته را کم کتر کنیم. ماضعف هایمان را نسی پوشانیم اما برای اصلاح و جبران آن می کوشیم .

طبقه کارگر در پهنه جهان ، که پیوسته تولید نعمات مادی را رسالت داشته حرفهای زیادی هم برای گفتن دارد ، و ما نیز بسیم خود حرفهایی داریم . تلاش ما حقایقی است که کمتر بیان شده ، اگر سیم بزرگی از تلاشهای تولید اجتماعی بعدی طبقه کارگر است ، هم او رسالت بزرگی را هم داراست. ما میخواهیم درحد توان خود به پیشبرد این رسالت یاری رسانیم !

انجمن ما مبتکر اعلام اهداف و وظایفی در خدمت منافع کارگران ایران در خارج از مرزهای ایران بوده ، که تاکنون تا حدودی توانسته بی حقوقیهای کارگران ایران را در شرایط دشوار اختناق و زیر سرکوب جمهوری اسلامی ، به کارگران دیگر کشورها شناساند و بخشی از کارگران پناهنده و مهاجر را در خود جمع کند . . . اما هنوز در ابتدای راهیم و راه بس طولانی است . می باید گامهای موثرتری در جهت تقویت آگاهی خود ، غنای ادبیات کارگری ، شناساندن جنبش کارگری کشورهای مختلف ، جمع آوری و تدوین تاریخچه جنبش کارگری و . . . برداریم . ما در این زمینه همچنان از دوستان کارگر و کسانی که علاقمند به مسائل کارگری اند یاری می طلبیم . . . و کارگر تبعیدی بستانه ناشر افکار و فعالیتهای انجمن ، تلاش خواهد کرد نسبت به وظایفی که پیش روی خود نهاده ، همچنان وفادار بماند .

ششمین مجمع عمومی انجمن برگزار شد!

دنباله از صفحه ۱



افتتاح شد. سپس شرکت کنندگان به معرفی خود پرداختند و صحبت های مقدماتی در باره دستور کار جلسه، چگونگی اداره آن، تایید هیئت رئیسه از طرف حاضرین و انتخاب تندنویس هایی برای نگارش بحث ها و ثبت مصوبات صورت گرفت. در ادامه پیرامون گزارش سیاسی و گزارش فعالیت یکساله انجمن که توسط هیئت هماهنگی منتخب مجمع عمومی قبلی نوشته شده بود، بحث گردید. این گزارشات قبلا در اختیار اعضا واحدها قرار گرفته بود.

حاضرین در مجموع ضمن تاکید بر این امر که نوشتن گزارش سیاسی و گزارش فعالیت یکساله توسط هیئت هماهنگی امر مثبتی است و باید به صورت یک سنت جا افتاده در بیاید، در عین حال به برخی از کمبودها و نقایص این گزارشات اشاره نمودند.

در قسمت های بعدی واحدهای انجمن در شش کشور اروپایی و هیئت تحریریه گزارش فعالیت های خود در فاصله دو مجمع عمومی را به جمع ارائه دادند و در باره نقاط قوت، مشکلات، نارسایی ها و ضعف های این فعالیت ها بحث شد و پیشنهاداتی برای رفع بخشی از نواقص از طرف جمع داده شد.

یکی از مهمترین ضعفهای فعالیت واحدها در سال گذشته، کم توجهی به مسائل نظری و بحث های آموزشی و همچنین بی برنامه بودن واحدها در عرصه رشد دانش اعضا و پرورش کادرهای کارگری بود. گرچه در این زمینه بطور پراکنده ابتکاراتی برای تشکیل کلاسهای آموزشی و بحث بر ممر مسائل کارگری صورت گرفته است. اما حاضرین متفق القول بودند که در این عرصه کار انجمن دارای ضعف های اساسی بوده و باید بسیار بیشتر از اینها در این مورد فعالیت کرد.

برای رفع این نارسایی، از جمله تصویب شد که بولتنی برای طرح بحث و تبادل نظر حول مسائل مختلف منتشر شود.

در باره ضوابط و معیارهای حاکم بر این بولتن و چگونگی اعلام تاریخ انتشار اولین شماره آن از جانب جمع تصمیماتی اتخاذ شد.

اما یکی از مهمترین نکات مثبت و دستاورد سال گذشته، ارتباط انجمن با جنبش کارگری و اتحادیه های کشورهای مختلف بود. در پرتو تلاش های فعالین انجمن: در انگلستان انجمن برای اکثر اتحادیه های کارگری کاملا شناخته شده و از حمایت آنها برخوردار گشته است. در آلمان، اتحادیه های این کشور که تا سال گذشته هیچ اقدامی در جهت حمایت از کارگران ایران انجام ندادند، طی سال جاری همبستگی خود را با کارگران ایران و مطالبات آنها آغاز نمودند، در هلند، رفاقا با جدیت و پشتکار قابل تحسینی با اتحادیه ها و تشکلهای کارگری روابط با اهمیتی ایجاد

نموده اند. در مجمع عمومی روی تحکیم و گسترش این روابط تاکید شد. بخش زیادی از وقت مجمع عمومی در جهت بحث و مباحثات طولانی و پرشور، اصلاحاتی در اساسنامه انجمن به تصویب رسید و قرار شد، هیئت هماهنگی آتی، اصلاحات تصویب شده را تنظیم و در

در جهت بحث پیرامون هویت و انتظارات اعضا از انجمن و اصلاحات اساسنامه ای صرف شد. اهمیت این موضوع در این بود که انجمن در سالهای گذشته از نظر کمیت و کیفیت فعالیت هایش رشد داشته است و لازم بود متناسب با این پیشرفت ها، مسنله اهداف، چشم انداز فعالیت ها، انتظارات و همینطور اشکالات اساسنامه ای که موانعی را در فعالیت های عملی انجمن بوجود می آورد، به بحث گذاشته و در باره آنها تصمیمات لازم گرفته شود.

مبنای این مباحثات، پیشنهادات هیئت هماهنگی(سابق) مربوط به اصلاح اساسنامه بود. این پیشنهادات قبلا بطور کتبی در اختیار اعضا واحدهای انجمن قرار داده شده بود و همه اعضا، فرصت برای بررسی آنها داشتند.

پس از مباحثات طولانی و پرشور، اصلاحاتی در اساسنامه انجمن به تصویب رسید و قرار شد، هیئت هماهنگی آتی، اصلاحات تصویب شده را تنظیم و در

اساسنامه وارد کند و سپس برای نظر خواهی به واحدهای مختلف انجمن ارسال کند.

در این مباحثات روی دو اصلحیه بحث های زیادی صورت گرفت. اول اینکه در تعریف انجمن بر این نکته که انجمن تشکلی است از کارگران مبارز و پیشرو که علیه نظام استثمارگرانه سرمایه داری و رژیم جمهوری اسلامی فعالیت می کند، تاکید شد. مسئله دوم موضوع عضویت رفقای غیرکارگر در انجمن بود. این موضوع جدیدی بود و بحث های پرشور و با حرارتی را برانگیخت. ضرورت مطرح شدن این مسئله آن بود که در انجمن فضایی بوجود بیاید که تعدادی از رفقای غیر کارگر که مدتهاست با انجمن صمیمانه همکاری می کنند و یا طالب این همکاریها هستند، بتوانند به طور تنگاتنگ ترو با دلگرمی و احساس مسئولیت بیشتری کار کنند و بدین ترتیب زمینه بهتری برای پیشبرد هماهنگ تر و بهتر کارها بوجود بیاید. در عین حال حاضرین تاکید می کردند که ترکیب کارگری انجمن باید حفظ شود و این ترکیب یکی از دلایل موفقیت و استحکام انجمن و غلبه بر نارسایی ها در طی سالهای گذشته بوده است.

سرانجام با اکثریت آراء به تصویب رسید که: "هر واحد می تواند یک فرد غیر کارگر را عضویت بپذیرد." مشروط به اینکه: یکسال کار و فعالیت مستمر در رابطه با انجمن داشته باشد." و عضویت آنها به تایید مجمع عمومی سراسری برسد. در واحدهای کثیرالعهده نیز نسبت اعضای کارگر به غیر کارگر ۵ به ۱ اعلام شد.

بزرگترین ضعف بحث ها در قسمت اصلاح اساسنامه این بود که اکثر رفقا از قبل نظراتشان را به طور کتبی پیرامون اصلاحات پیشنهادی در اختیار هیئت رئیسه نگذاشته بودند و این مسئله باعث میشد که در این قسمت بخش بزرگی از وقت مجمع عمومی و هیئت رئیسه، صرف توضیح نظرات حاضرین شود.

برای رفع این نقیصه حاضرین تصویب کردند که هیئت هماهنگی آتی، سه

ماه قبل از مجمع عمومی آینده گزارشات و پیشنهادات خود را به واحدها و اعضا ارسال کند و اعضا نظرات خود را کتبا به هیئت هماهنگی بفرستند تا تکثیر شده و در اختیار سایرین قرار بگیرد و بدین ترتیب هم به انسجام بحث ها کمک شود و هم در وقت مجمع عمومی آتی صرفه جویی گردد.

در قسمت دیگری در باره مسائل مالی انجمن و صندوق تعاون گزارش داده شد. گزارش مالی واحدهای مختلف نشان میداد که مسئله مالی امروز یکی از مشکلات عاجل و مهم انجمن است و اگر انجمن بخواهد از نظر کمی و کیفی برفعالیت هایش بیفزاید، ناچار است به نحوی به این مشکل پاسخ بگیرد. در حال حاضر بسیاری از واحدهای انجمن با مشکل مالی روبرویند، ضمن اینکه هزینه های هنگفت مربوط به نشریه که تماما توسط بودجه انجمن تامین میشود، بخش زیادی از بنیه مالی تشکیلات را به خود اختصاص میدهد، در مجمع عمومی بر این نکته تاکید شد که اعضا به طور مرتب حق عضویت ها و مبالغ مربوط به فروش نشریه را بپردازند، همچنین واحدهای انجمن ابتکاراتی برای حل مشکلات مالی خود به خرج دهند.

در مورد صندوق تعاون نیز تصمیماتی اتخاذ شد تا کمک هایی بویژه به کارگران پناهنده ای که در ترکیه بسر می برند، صورت بگیرد.

در بخش دیگری آئین نامه مربوط به روش کار هیئت تحریریه و همچنین شعارهای جدیدی که از این پس، بنا به مناسبت، در نشریه درج میشود، به بحث گذاشته شد و به تصویب رسید.

شعارهای جدید عبارتند از:

- سرنگون باد رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی!

- زنده باد همبستگی جهانی کارگران!

- کاهش ساعت کار تا رفع بیکاری بدون کاهش دستمزدها!

- دریافت حقوق بیکاری حق مسلم کارگران است!

زندانی سیاسی آزاد باید گردد! در بخش پایانی اعضا هیئت هماهنگی، هیئت تحریریه، مسئولین فنی نشریه، مسئولین بولتن و سخنگوی انجمن انتخاب شدند. امسال سعی شد، حتی الامکان، اعضا جدیدی در عرصه ها و ارگانهای انجمن، بخصوص در هیئت هماهنگی، وظایف را بعهده گیرند. این موضوع از دو جنبه ضرورت داشت: اولاً لازم بود فشار کار از روی دوش تعداد نسبتاً محدودی از رفقا برداشته شود و مسئولیت ها و وظایف تقسیم گردد. ثانیاً هدف این بود که تعداد هر چه بیشتری از اعضای انجمن در مسائل دخالت کنند و راه و روش فعالیت در ارگانهای مختلف را فرا بگیرند. این امر کمک می کند که انجمن از ثبات سیاسی و استواری بیشتری برخوردار باشد و کارها با خرد جمعی گسترده تری به پیش برود. همچنین این گامی است در جهت تربیت کادرهای کارگری توانا در عرصه های مختلف و آشنا به زمینه های گوناگون فعالیت.

در بخش مربوط به انتخاب سخنگو، یکی از رفقا به اتفاق آراء رسماً به عنوان سخنگوی انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی انتخاب شد.

بدین ترتیب مجمع عمومی امسال در فضایی رفیقانه به کار خود پایان داد و بر استحکام و شادابی انجمن افزود. امید است بتوانیم با پشتگرمی از این جو ساله و رفیقانه، وظایف و اهداف انجمن را هرچه عمیق ترو با جدیت بیشتری به پیش ببریم و در مجمع عمومی آتی با دستاوردهای ارزشمند و آگاهی بیشتری شرکت کرده، رفقای جدید و فعال دیگری را در کنار انجمن بیاییم.

زنده باد تشکلهای مستقل کارگری!

سرنگون باد رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی
اوت ۹۲

چشم انداز

منحل کردن ما را داشتند و بعضی از رفقای خوب ما را تشویق به ترک انجمن کردند. اما با تمامی این مسائل ما راهمان را ادامه دادیم و اطمینان داشته و داریم که مرور زمان پوچی تمامی این نظرات را ثابت خواهد کرد.

ما درگیری های لحظه ای مجامع عمومی گذشته را از سر گذرانندیم و ضمن کسب تجاربی اکنون می توانیم بگوییم پر بار ترین مجمع عمومی را امسال برگزار کردیم. مجمع عمومی که از هر جهت گام های اساسی به پیش برداشت و اینک می توانیم یک صدا بگوییم که روی پای خود ایستاده ایم؛ و در تجربه تاریخی جنبش کارگری کشورمان پس از اولین دور مهاجرت کارگران ایرانی به باکو و انتقال تجربیاتشان به ایران، در آینده می نویسند که: تعداد معدودی از کارگران که به ناچار تن به پنهانندگی داده بودند، بر خلاف سنت و سنوآت گذشته، ضمن نفی واسطه ها، خود پرچم دفاع از کارگران ایران را برافراشتند و برای رساندن صدای آنان به گوش کارگران جهان از کشورهای مختلف جهان به دور هم جمع شدند. با تمامی مشکلاتی که سد راهشان بود و در محیطی که امکانات رفاهی و فساد وجود داشت، دست از آرمان خود برنداشتند و برای رهائی خود از قید و بند استثمار گرانه جامعه سرمایه داری راه مبارزه را انتخاب کردند.

حال که در آغاز ششمین سال هستیم، با نگاهی به چند سال گذشته در می یابیم که در این راه به تجربیات با ارزشی دست یافته ایم و خود را تثبیت کرده و بخشی از اهداف اعلام شده خود را در حد توان به پیش برده ایم.

از طرفی در این مدت سوالات زیادی به گوش می رسد که بالاخره چه؟ فرض کنید که نمایندگان کارگران

جمع ما بدون داشتن هیچگونه تجربه قبلی کار در زمینه مسائل کارگری در خارج از کشور، برای اولین بار هدف خود را حمایت از کارگران ایران اعلام کرد و در این عرصه شروع به فعالیت نمود. البته بسیار خوشحال هستیم که فعالین دیگری نیز طی این مدت به این عرصه فعالیت روی آورده و اهداف اصلی خود را در خارج از کشور حمایت از کارگران ایران اعلام کردند و اهداف اعلام شده را در دستور کار خویش قرار دادند. این خود یک موفقیت و دستاورد بزرگی برای طبقه کارگر کشورمان است. چرا که هر چه فعالیت در زمینه مسائل کارگری وسیع تر شود، فشار بر رژیم بیشتر خواهد شد و ماهیت ارتجاعی آن آشکارتر می شود.

اما در این مدت - با وجود نارسائی های زیاد- ما راهمان را ادامه دادیم. گروهی ما را رفرمیست و عده ای ما را ناسیونالیست نامیدند. بخشی ما را سندیکا لیست و بخش دیگر به ما تجویز کردند که تنها به دنبال دفاع از خواست های اقتصادی طبقه کارگر باشید و کاری به سیاست نداشته باشید. جمعی دیگر نظر می دادند که ما می خواهیم حزب سیاسی تشکیل دهیم و گروهی دیگر تجمع ما را کاری ارتجاعی قلمداد کردند. از طرفی عده ای ما را وابسته به این و آن جریان سیاسی می دانستند و جمعی اصولاً ما را ضد روشنفکر نامیدند؛ و بالاخره هر کس بنابه درک خویش - یا از روی حسن نیت و یا سوء نیت - برای ما قالبی ساخت و ما را در آن جای داد.

گروهی به کارگران سفارش کردند که به جمع ما بپیوندند و بخشی نسبت به ما موضع تحریم را انتخاب کردند و قصد

پنج سال از تشکیل انجمن گذشت و جمع ما مسائل و مشکلات زیادی را پشت سر گذاشت و موفق به کسب تجربیات با ارزشی شد.

به خوبی آگاهییم که یکی از دلایل شکست تشکلات کارگری ایران و عقب نشینی طبقه کارگر در برابر بورژوازی عدم ارتباط فعالین عملی کارگری با یکدیگر بود؛ و بخاطر این نقیصه، آنان نتوانستند از یک برنامه تدوین شده و هماهنگ در رابطه با چگونگی پیشبرد اهداف کارگری پیروی کنند.

با درک این مطلب ما طیفی از کارگران صنایع مختلف کشور که با اجبار تن به پنهانندگی در کشورهای مختلف دادیم، با ارائه پلاتفرمی به گرد هم جمع شده، در مرحله اول با هم آشنا و تا حدودی از نظرات هم با اطلاع شدیم تا از تجربیات یکدیگر استفاده کنیم و در حد توان، ضمن ارتباط گیری با اتحادیه های کارگری، کارگران رادیکال، احزاب سیاسی، سخنرانی ها، سمینارها، مقالات و بحث ها، جنبش کارگری کشورمان را به سایر کارگران بشناسانیم؛ و توانستیم با ارتباط با اتحادیه ها و فعالین کارگری در جهت افشای ماهیت ضد کارگری و ضد انسانی جمهوری اسلامی تلاشی را آغاز کنیم. تا کنون موفق شده ایم در بخشی از اتحادیه ها نطعمانه هایی در مورد محکومیت رژیم اسلامی در ارتباط با بی حقوقی طبقه کارگر به تصویب برسانیم و ضمن رساندن صدای اعتراضات آنان به کارگران کشورهای مقیم، در مبارزات کارگران این کشورها فعالانه شرکت کنیم.

جمهوری اسلامی را هم از کنفرانس بین المللی کار اخراج کردید، بعد چه؟ آیا اعلام انحلال خواهید کرد؟ آیا برنامه آینده تان اعلام یک حزب سیاسی است؟ آیا در آن مرحله به یکی از گروه های سیاسی موجود می پیوندید؟ بالاخره رابطه شما با گروه های سیاسی و روشنفکران انقلابی چیست؟ و اصولاً خود را چگونه تعریف می کنید؟

من در ادامه سعی می کنم نظرم را در مورد سوالات بالا بیان کنم و امیدوارم رفقای دیگر ضمن بر خورد فعال و رفع نقایص، از طریق بولتن نظری و یا نشریه آن را تکمیل و نظراتشان را در زمینه های مطرح شده بیان کنند.

به نظر من، در شرایط فعلی خارج از کشور، انجمن تنها ظرف واقعی در بر گیرنده کارگران فعال صنایع و کارخانه های مختلف، و تنها میدان مبارزه کسانی است که، با توجه به تجربیات با ارزش گذشته و حال، به دور از هر گونه گروه گرائی و سکتاریسم می خواهند حول یک پلاتفرم مشترک در دفاع از کارگران ایران و دخالت مستقیم در سر نوشت کارگران کشورهای مقیم فعالیت کنند.

شرط موفقیت کامل ما آنست که بکوشیم کارگران مبارز و فعال را به جمع خود ملحق کنیم و تا زمانیکه در خارج از کشور هستیم لازم است این جمع در چارچوب اهداف به تصویب رسیده با تلاش و پشتکار کامل، حرکت فعلی خود را به پیش برد. هر فرد و یا جریانی که بخواهد این جمع را به شکلی از راهی که در پیش گرفته منحرف کند، هدف اصلیش خدمت به طبقه کارگر نخواهد بود.

من این را الگو، نمونه و تمرین تشکل مستقل کارگری در شرایط خاص خارج از کشور و تنها امکان فعالیت واقعی

روی مسائل کارگری می دانم و بر خورد افراد و گروه های دیگر به این جمع را از این زاویه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده و به صداقت آنان در عمل پی خواهم برد.

این جمع، سنگ محک من برای مشخص کردن درجه خلوص نیت و چگونگی بر خورد جریانات و افراد سیاسی با یک تشکل مستقل کارگری در جریان فعالیت عینی است و از این جایگاه می خواهم رابطه جریانات سیاسی با تشکل کارگری را تجربه کنم و بیاموزم. در کنار آن، تمامی رفقای کارگری که مسئله اصلی شان ناپودی جامعه طبقاتی و بر قراری سوسیالیسم است، باید با تمام توان و امکانات، دانش سیاسی - تئوریک و تشکیلاتی خود را بالا برده و ضمن بحث و تبادل نظر روی مقوله های مختلف، برای دستیابی به یک نظر واحد تلاش کنند.

اینک که یک زندگی اجباری را پشت سر می گذاریم، از موقعیت نا خواسته فعلی حداکثر استفاده را بکنیم و برنامه آموزشی لازم را چه از نظر تشکیلاتی و چه از نظر تئوریک در دستور کار خویش قرار دهیم. خود را از هر نظر در حد یک کادر ورزیده و با تجربه ای که شایسته یک جنبش پر قدرت کارگری است ارتقاء دهیم. جنبشی که بتواند در آینده و در یک شرایط انقلابی، با ارائه یک برنامه سوسیالیستی قدرت کارگری را بر جامعه حکم فرما کند.

بنابراین همانطور که برای طرد بورژوازی و گرفتن قدرت از دست او لازم است که تمامی وسائل و ابزار تولید به مالکیت جامعه و طبقه کارگر در آید؛ همانطور که لازم است قدرت نظامی و میلیتاریسم از دست بورژوازی گرفته شود، لازم است که ابزار تئوریک طبقات غیر کارگری را هم

از طریق بالا بردن دانش سیاسی تئوریک از دست آنان گرفت و آنها را خلع سلاح کرد تا یک موازنه کامل برقرار گشته و ذهن اتوریته بر طبقه کارگر از فکر روشنفکران بیرون آید.

بنابراین تا زمانی که طبقه کارگر بر این سلاح مهم اید نولوژی مسلط نشود، تا زمانیکه قدرت نظامی و اقتصادی را به چنگ نیاورد، قادر نخواهد بود به رهبری جامعه ارتقاء یابد و هموار شود. مجبور است که تابع و فرمانبر طبقات دیگر باشد.

لازمه رسیدن به این هدف آن است که ضمن استفاده از موقعیت بدست آمده، تمرین ساختن تشکلات مستقل کارگری، حزب کارگران کمونیست را چگونگی بوجود آوردن حکومت شورایی را تجربه کرده و بیاموزیم و از هیچ مشکلی نهراسیم.

ما به هیچ عنوان قصد ایجاد حزب، بدون رهبران عملی جنبش کارگری داخل را نداریم. ما به هیچ عنوان در نظر نداریم که برای طبقه کارگر کشورمان بدون شرکت مستقیم آنان، بدون دخالت و حضور مستقیم برگزیدگان و پیشروان این طبقه که اکنون در حال مبارزه رو در رو با رژیم در شرایط اسفبار فعلی هستند، هیچگونه حزب سیاسی بوجود آوریم.

می خواهیم الگو سازی کنیم و این الگو را در تجربه عملی پیاده کنیم. می خواهیم بر مشکلاتی که برای دستیابی به یک حزب سیاسی متشکل از کارگران کمونیست و بخشی از روشنفکران است فائق آییم. می خواهیم در عمل مشاهده کنیم که برای ایجاد یک حزب از کارگران کمونیست و روشنفکران انقلابی، چه مشکلات و مسائلی در سر راه وجود دارد. آنها را بشناسیم و از راه سر راه بر داریم.

اتوریته و سروری بر طبقه کارگر را از ذهن خود بیرون کنند. مگر نه این است که معتقد به حکومت کارگری هستند، پس در همین میدان کوچک، آنها هم این مرحله را با ما به بوته آزمایش بگذارند و تمرین کنند. با هم این تمرین را به پیش بریم و ببینیم راه های نزدیکی و یکی شدن کدام است و چه مشکلاتی در سر راه ما وجود دارد.

هدف اصلی خدمت به طبقه کارگر و محرومان جامعه است، نه چیز دیگری. پس انرژی، توان و امکانات خود را در خدمت رسیدن به این الگو قرار دهند و در عمل ببینند که توان تحمل چنین مسئله ای را دارند و آیا می توانند حاکمیت طبقه کارگر را تحمل کنند؛ و یا در میان راه جاده دیگری را انتخاب خواهند کرد.

حال این گوی و این میدان، بیایند با هم برای ساختن الگویی واقعی، الگویی که نشانگر استقلال طبقاتی، نشانگر حاکمیت کارگران بر جامعه، نشانگر یک دموکراسی کارگری است، به پیش برویم و این نمونه را با هم بسازیم.

در این راه با کمک و همیاری یکدیگر مشکلات رسیدن به این هدف را پشت سر بگذاریم، و پس از پایان یافتن الگو سازی، تجربه ساختن آنرا به کارگران داخل ارائه دهیم. بگوییم حال شما اصلش را بسازید، این قالب نمونه است.

از نظر شخصی من این چشم انداز دراز مدت ما است. برای رسیدن به این هدف راه دراز و پس طولانی در پیش داریم. ولی با ایمان به پیروزی طبقه کارگر جهانی، اهدافمان را به پیش ببریم، از هیچ مشکلی نهراسیم و مطمئن باشیم که حقانیت از آن طبقه کارگر است.

ید اله

سپتامبر ۹۳

پس:

بگذار رهبران خود ساخته طبقه کارگر خوب تکفیر بر علیه ما بلند کنند و از فردا علیه ما بپا خیزند. ما چیزی نداریم که از دست دادن آن ما را به وحشت اندازد. "ما کارگریم."

حال بگذار بگویند شما سندیکا لیست، جبهه وحدت عمل، رفرمیست، ضد روشنفکر، آنارشویست و هزار "ایسم" دیگر هستید. بگذار هر چه می خواهند ما را بنامند. ما کارگران کمونیست هستیم.

مسئله دیگر که همواره مورد نظر است، رابطه ما با گروه های سیاسی و روشنفکران رادیکال وابسته به طبقه کارگر است.

ما همکاری مستقلانه با تمامی گروه های سیاسی موجود که مسئله اصلی شان به حاکمیت رساندن طبقه کارگر بر سرنوشت خویش است را در دستور کار خویش قرار داده و دست تمامی آنها را برای پیشبرد اهداف طبقه کارگر می فشاریم و از هر گونه پیشنهاد همکاری آنان استقبال می کنیم.

ما از تمامی روشنفکرانی که خود را متعلق به طبقه کارگر می دانند و آزمایش عملی خود را پس داده اند و از آن سرافراز بیرون آمده اند، با تمامی وجود استقبال می کنیم. طبقه کارگر بدون روشنفکران وابسته به خود، بدون استفاده از دانش سیاسی و خدماتی این رفقا راه به جایی نخواهد برد. این ها هم پیمانان آینده و همزمان واقعی طبقه کارگرند و ما در خارج از کشور با آغوش باز از چنین شخصیت هایی استقبال می کنیم.

برای ایجاد چنین رابطه ای ما تنها یک شرط قائلیم و آن اینکه، این رفقا فکر

خواهیم پس از کسب این تجارب، ما را به داخل انتقال دهیم و به کارگران بگوییم رفقا، این الگویی است که ما ساخته ایم، چنین مشکلاتی داشت و بدین صورت مشکلات بر طرف شد.

خواهیم به کارگران بگوییم رفقا، می توانید خود سرنوشت خویش را به دست بگیرید و از فرد پرستی و الگو پرستی تجربه شده گذشته دوری کنید. خواهیم به همکارانمان ثابت کنیم و بگوییم که می توان مسکن دار سرنوشت خویش بود. "ما کردیم و شد."

خواهیم به آنها بگوییم به هیچ طبقه دیگری به جز خودتان اعتماد کامل نکنید. دوران چک سفید دادن و دنباله روی گذشته است. تجربیات تا کنونی این را ثابت کرده و پیش کسوتان نیز گفته اند که "رهایی کارگران تنها بدست خود کارگران امکان پذیر است."

خواهیم همین را با همین تعداد معدود کارگر در خارج از کشور تمرین کنیم. می خواهیم به مشکلاتی که ممکن است در آینده برای دستیابی به این هدف، گریبان گیر طبقه کارگر گردد واقف شویم و در این موقعیت به دست آمده راه اصلی را باز شناسیم.

می خواهیم الگوی حزب کارگران کمونیست را در خارج از کشور بسازیم و این را با صدای بلند اعلام می کنیم. اما قصد تشکیل حزب سیاسی را نداریم.

می خواهیم نمونه سازی کنیم و بگوییم رفقا، این نمونه و الگوی آن چیزی است که شما لازم دارید و برای دستیابی به آن مشکلات و راه برون رفت از آنها را نیز بیان کنیم. همین و

یادداشتی بر مبارزات مستقل کارگران بیشوفه روده

دنباله از صفحه ۱

هند» در مجلس آلمان ، ۴۲ نفر از کارگران از تاریخ اول ژوئیه ۹۳ به اعتصاب غذای نامحدودی علیه این قرارداد دست می زنند. همزمان با این مسئله نمایندگان شورای انتخابی معدن (Betriebsrat) ارتباطاتی بانمایندگان کارگران سایر کارخانه های ایالت تورینگن ، بریژه کارخانجاتی که در معرض تعطیلی قرار داشته ، یا تعطیل شده بودند برقرار نمودند. در متن این ارتباطات «تشکل شوراهای کارخانه های شرق آلمان» با هدف هماهنگ کردن مبارزات کارگران شرق بر علیه بیکارسازیها و سیاست «تروی هند» شکل گرفت . ۱۰ ژوئیه به عنوان اولین روز همبستگی با کارگران بیشوفه روده اعلام گردید که در آن چندین هزار نفر شرکت جستند. همبستگی با کارگران تنها به این روز محدود نماند و تا تاریخ ۲۱ اوت ، روزهای دیگری نیز به این امر اختصاص یافت . در این روزها برنامه تدارکاتی کارگران بسیار جالب و همه جانبه بود. علاوه بر سازماندهی میزهای اطلاعاتی ، کارتها و تی شرتهایی با آرم همبستگی با کارگران بیشوفه روده به فروش می رسیدند.

در این میان جلب حمایت سایر کارگران و نیز اقشار وسیع توده ای در عین ادامه اعتصاب غذا و اشغال معدن ، مبارزات کارگران را از نیروی محرکه خاصی برخوردار نمود. با وجودیکه جهتگیری غالب بنگاههای مطبوعاتی سرمایه داری و نیز رسانه های عمومی ، عدم انتشار اخبار مبارزات مستقل کارگری می باشد، (۵) ابعاد و گستردگی مبارزات کارگران بیشوفه روده آنان را مجبور به تجدید نظر در این جهتگیری نمود. در طی ماههای ژوئیه و اوت روزی نبود که اخبار مبارزات کارگران بیشوفه روده در میان سایر گزارشات خبری روز مطرح نگردد. علاوه بر این تمامی احزاب و نیز سردمداران حکومتی ناچار شدند در مقابل این مبارزات و نیز مسئله قرارداد واگذاری Mdk به BASF موضعگیری نمایند. مبارزات کارگران بیشوفه روده باعث شد مسئله سیاست تروی هند در رابطه با خصوصی کردن کارخانجات و مراکز اقتصادی بیش از پیش در افکار عمومی بزیر سنوال رود، چرا که در تمام مدت تروی هند ادعا می کرد (و می کند) که معدن بیشوفه روده می بایستی به دلیل عدم سوددهی و عدم امکان فروش پتاس استخراجی آن تعطیل گردد. در حالیکه با تایید خود کارشناسان اقتصادی ، پتاس این معدن از مشتریان و بازار خوبی در اروپا برخوردار است و علت تعطیلی آن تنها سیاست انحصاری کنسرن BASF و تلاش آن در جهت از میان برداشتن رقبای خود در سایر کشورهای اروپایی می باشد.(۶)

بعد از ۵ سالی که از مبارزات مستقل و شکوهمند کارگران فولاد کنسرن کروپ در راین هاوزن ، بر علیه تعطیلی محل کارشان و بیکارسازیها می گذرد، این نخستین باری است که تعدادی از کارگران آلمان در عین سازماندهی مستقل خود چنین مبارزه گسترده ای را پی افکنده اند که از چهارچوبهای قانونی و برسمیت شناخته شده نظم سرمایه داری فراتر رفته است. از این زاویه مشخص است که مبارزات کارگران بیشوفه روده در جنبش کارگری آلمان از جایگاه ویژه ای برخوردار می گردد و به همین دلیل نیز در خور بررسی و تحلیل عمیقتر و مفصلتری است که بعدا ارائه خواهد شد. عجالتا به ذکر برخی از مهمترین نکات این روند مبارزاتی اکتفا می کنم .

* * *

از ۱۰ دسامبر ۹۲ کارگران معدن پتاس «توماس مونستر» آکسیونهای اعتراضی خود را برای حفظ محلهای کارشان و ممانعت از تعطیل معدن آغاز نموده اند. در طول این روند ده ماهه ، مبارزات کارگران اشکال بسیار متنوع و متفاوتی را به خود گرفته است . اگر در آغاز عمدتا به تشکیل تجمعات اعتراضی، عریضه نویسی و . . . محدود می شدند، با مطرح شدن خبر تعطیلی معدن تا آخر سال جاری ، این مبارزات از کیفیت نوینی برخوردار شدند. تعطیلی معدن یکی از مفاد توافق شده در قرارداد واگذاری شرکت سهامی Mdk (۱) به شرکت دختر کنسرن BASF (۲) می باشد. در اعتراض به این مسئله کارگران در تاریخ ۷ آوریل ۹۳ معدن را اشغال نمودند و از ورود کادر اداری شرکت Mdk به محل معدن جلوگیری کردند. کارگران ناچار بودند در عین اشغال معدن به استخراج پتاس ادامه دهند و عملا از اعتصاب خودداری نمایند، چرا که اتحادیه با تداوم اعتراضات کارگران مخالف بود و این به معنای عدم حمایت مالی از آنان محسوب شده ، کارگران را با مشکل مالی مواجه می ساخت.(۳) با این حال کارگران از تمام طرق ممکن در جهت ممانعت از امضای قرارداد واگذاری Mdk به کنسرن BASF استفاده کردند . اشکال اعتراضی کارگران از تجمع در مقابل محل « تروی هند» (۴) تا مسدود کردن چهارراه مقابل ساختمان این نهاد و درگیری با پلیس (در تاریخ ۱۷ ماه مه) تا فرستادن هیئت های نمایندگی برای مذاکره با مقامات دولتی ، نمایندگان مجلس ایالتی و سراسری و . . . را در بر می گرفت .

با امضای قرارداد واگذاری Mdk به BASF و نیز تایید این قرار داد از طرف کمیسیون امور مربوط به «تروی

همبستگی و جمع آوری بیش از ۳۰۰۰۰۰۰ مارک کمک مالی مبارزات کارگران بیشوفه روده را از توانی تازه برخوردار ساختند. از طرف دیگر آنان پرچم مبارزه بر علیه بیکارسازیها را برافراشتند و با مبارزات خود نیرویی تازه به جنبش اعتراضی مستقل کارگری در آلمان بخشیدند. شعله ور شدن آتش مبارزات مستقل کارگران در چند کارخانه دیگر، گواه این مدعا است. (۷)

سپتامبر ۹۳ - مهوش نظری

زیر نویسها

۱- Mdk مخفف میتل دوپچه کالی آگ (Mitteldeutsche Kali AG) می باشد. پس از ادغام آلمان شرقی در آلمان فدرال این شرکت سهامی با وظیفه سرپرستی و اداره امور تمامی معادن بخش شرقی آلمان تاسیس گردید.

۲- اسم شرکت دختر BASF، وست دوپچه کالی + زالتس می باشد (Westdeutsche Kali + Salz).

۳- اتحادیه معدن و انرژی از آغاز با واگذاری شرکت سهامی Mdk به BASF موافق بوده، از قرارداد مربوطه کاملاً دفاع می نمود. استدلال رهبری اتحادیه اینست که برای حفظ ۷۵۰۰ شغل باقیمانده در صنعت پتاس راهی جز واگذاری Mdk به BASF و نیز تعطیلی معدن بیشوفه روده وجود ندارد.

۴- «تروی هند» بنیادی است که مسئولیت خصوصی کردن و روشن نمودن تکلیف موسسات و کارخانه های شرق را برعهده دارد. قبل از «وحدت دو آلمان» تعداد شاغلین در صنایع و موسساتی که اکنون زیر نظر «تروی هند» هستند به ۴۱۰۰۰۰۰ نفر می رسید. در حال حاضر تعدادی بسیار کمتر از یک میلیون نفر در رشته های تحت کنترل آن شاغل هستند. تروی هند با تعطیل کردن کارخانجات عملاً در جهت منافع سرمایه داران بخش غرب حرکت می کند، ۴۹ درصد از سهام Mdk متعلق به «تروی هند» می باشد و تصمیم گیرنده اصلی در واگذاری Mdk به BASF نیز خود این بنیاد بوده است.

۵- کما اینکه تا ژوئیه ۹۳ اخبار مبارزات کارگران بیشوفه روده در رسانه های عمومی انعکاس نیافت.

۶- در این رابطه رجوع کنید به روزنامه فرانکفورتر روندشاو مورخ ۲۱ ژوئیه ۹۳

۷- بعنوان مثال کارگران کارخانه سازنده اسلحه های شکاری و ورزشی Suhl از ۱۵ ژوئیه در اعتصاب بسر می برند و کارخانه خود را نیز اشغال نموده اند. همینطور کارخانه بلیرینگ سازی DKLF از دوماه پیش مدیریت کارخانه را بداخل راه نداده اند. علاوه بر اینها کارگران کارخانه های زیر نیز به

با واگذاری شرکت سهامی Mdk به کنسرن BASF این کنسرن از موقعیت انحصاری کم نظیری در آلمان و پفشا در اروپا برخوردار می گردد و انحصار تولید ۱۳ درصد از محصول پتاس جهان را به خود اختصاص خواهد داد. جالب اینجاست که دولت در مقابل این شرایطی که در اختیار کنسرن BASF قرار می دهد، نه تنها پولی از آن دریافت نمی کند، بلکه چندین میلیارد مارک هم نقداً به آن می پردازد. مبارزات کارگران بیشوفه روده باعث شد که اطلاعات فوق در افکار عمومی آلمان مطرح گردد. یکی از خواسته های اصلی کارگران که از حمایت احزاب، تشکلهای و جریانهای مختلف نیز برخوردار می باشد، اطلاع از مفاد کامل قرارداد واگذاری Mdk به BASF است.

با تعمیق و تداوم مبارزات کارگران بیشوفه روده، سرمایه داران، دولت و پلیس از یکطرف و رهبری اتحادیه معدن و انرژی از طرف دیگر کوشیدند با شیوه های مختلف کارگران را مجبور به عقب نشینی و عدم ادامه اعتراضات خود نمایند.

دولت آلمان و دولت ایالتی به کارگران وعده و وعید دادند که در صورت پایان دادن به مبارزات خود، شغل های دیگری برای مدت ۲ سال به آنها داده خواهد شد. مدیریت شرکت Mdk به بهانه عدم مشتری، با کاهش دستمزدها، ساعات کار را در این معدن محدود نمود. پس از آن در تاریخ ۵ اوت به کارگران اولتیماتوم داد، در صورتیکه به اشغال معدن تا تاریخ ۲۲ اوت ۹۳ خاتمه داده نشود معدن را فوراً تعطیل خواهد کرد. اتحادیه معدن و انرژی نیز در دفاع از قرارداد فوق و علیه اقدام مستقل کارگران کوشید تا کارگران غرب را در تقابل و رویارویی با همکاران شرقی خود قرار دهد. دست آخر پلیس و نیروهای امنیتی تلاش کردند که کارگران را تعدادی آناشویست و اخلاکگر جلوه بدهند، با همه اینها کارگران معدن بیشوفه روده هر چند با عقب نشینی هایی به مبارزات خود ادامه می دهند. بعد از اتمام تعطیلی تابستانی، تولید در معدن از دوشنبه ۲۲ اوت از سر گرفته شد. به موجب توافقی که میان رئیس شورای معدن بنام هاینر برودهون Heiner Brodhun با مدیریت Mdk صورت گرفت، کارمندان این شرکت اجازه ورود به دفاتر خود را یافتند. با این حال ۲۶ نفر از کارگران همچنان به اعتصاب غذای خود ادامه می دهند. علاوه بر این سایر اشکال اعتراضی نیز همچنان تداوم دارند.

تنها دستاورد قانونی کارگران، عدم تایید قرارداد واگذاری Mdk به BASF در کمیسیون بازار مشترک می باشد. قرار است که این کمیسیون نظر نهایی خود را تا ۳ ماه آینده اعلام دارد. اما آنچه به جنبش کارگری آلمان مربوط می شود دستاوردهای کارگران بیشوفه روده کم نبوده است. صدها بیانیه

موج بیکارسازیهای جدید در ایران

همچنین سید جلالی مدیر کل کار و امور اجتماعی خوزستان اعتراف کرد: تعداد بیکاران این استان که خود را به اداره کاریابی معرفی کرده اند، ۵۷ هزار نفر می باشند.

کارخانه پوشش رشت در معرض تعطیل

در راستای سیاست واردات کالاهای خارجی کارخانجات پوشش رشت به بهانه کمبود مواد اولیه، گرانی قیمت تمام شده کالا و واردات کالای مشابه، عدم فروش اجناس تولیدی و کمبود نقدینگی در معرض تعطیلی قرار گرفته اند.

تعطیلی واحد تولیدی پارچه بافی ارمک

کارخانه پارچه بافی ارمک بافت چابکسر بر اثر واردات کالاها از مناطق آزاد، قدرت رقابت خود را از دست داد و تعطیل گردید. مسئولین این شرکت تصمیم به تغییر خط تولید گرفته اند و پروژه تولید تور ماهیگیری را در دست مطالعه دارند.

طومار کارگران صنایع فولاد چناره

کارگران شرکت سهامی تامین مواد معدنی صنایع فولاد چناره با ارسال طوماری اعتراض خود را به فروش سهام کارخانه به بخش خصوصی ابراز نمودند. همچنین گروهی از کارگران با تجمع جلوی اداره کار اندیشک خواستار رسیدگی به وضعیت شفلی خود شدند.

کارگران منابع طبیعی کاشان ۳ ماه هیچ دستمزدی دریافت نکرده اند

اکنون مدت ۳ ماه است که حقوق و سایر مزایای کارگران و کارکنان اداره منابع طبیعی و تثبیت کاشان پرداخت نشده است. در خبری که در همین رابطه در روزنامه کار و کارگر (۳۰ تیر ۷۲) به چاپ رسیده است، می خوانیم: پرداخت بن کالاهای اساسی و کلیه مزایای قانونی دیگر در این اداره معنایی ندارد و کارگران حتی برای خریدن چند قرص نان هم در مضیقه هستند و به علت بی پولی در هر ماه ناچارند بهره و جریمه قبض آب و برق و گاز را نیز بپردازند.

اخراج و بیکار سازیهایی که از اواخر سال ۷۱ در ایران آغاز شده، ابعاد گسترده ای یافته است. دولت با واگذار نمودن بسیاری از واحدهای بزرگ تولیدی به سرمایه داران بخش خصوصی، حذف سوبسیدها، کاهش ارزش ریال و کاهش حمایت گمرکی از تولیدات داخلی، زیر عنوان طرح «تعديل اقتصادی»، سیاست تغییر رل تولید برای بازار جهانی را پیش گرفته است.

چنین آرایش و سیاستی سرمایه داران را به این سوق میدهد که هزینه تولید خود را برای رقابت در بازار جهانی کاهش دهند. طبیعی است که برای سرمایه داران ایرانی، کم کردن از هزینه تولید، به مفهوم محول کردن همان حجم کار سابق به عده کمتری کارگر و اخراج بقیه آنهاست. و در رشته هایی که قدرت رقابت با تولید در سطح جهان را ندارند، انتقال سرمایه ها به رشته ها و شاخه های سودآور و تعطیل تولید سابق است.

سخنان و موضع گیری های مقامات رژیم و اخباری که در برخی از روزنامه های دولتی ایران به چاپ می رسد، وظیفه توجیه نمودن همین سیاست را بعهده دارند. در زیر گوشه ای از اخبار مربوط به این بیکارسازیها را که در مطبوعات دولتی نیز منعکس شده اند، به چاپ می رسانیم:

اخراج کارگران در کارخانه پشم شویی وریسندگی ایلام

مدیریت کارخانه پشم شویی و ریسنندگی ایلام در راستای قابل رقابت نمودن کارخانه و زیر عنوان «طرح تعدیل نیروی انسانی» مبادرت به اخراج کارگران از کارخانه نموده است. این اقدام حتی از سوی سرسپردگان رژیم (کانون شوراهای اسلامی) نیز با اعتراض روبرو شده است. لازم به تذکر است که دستمزد کارگران در ماه خرداد نیز پرداخت نشده است.

۲۸۷۱ شکایت کارگران در باره اخراج

جمهوری اسلامی که طرح خصوصی سازی را پیشه نموده است. برخی از شرکتها و دواير دولتی را به بخش خصوصی می سپارد که سرمایه داران این بخش به محض تصاحب این شرکتها اقدام به اخراج کارگران می نمایند. بعنوان نمونه در استان خوزستان از ۴۶۷۱ شکایت رسیده به اداره کار و امور اجتماعی، ۲۸۷۱ مورد آن مربوط به اخراج کارگران بوده است.

به کارگران اخراجی، بیمه بیکاری پرداخت نشد!

اعتراض کارگران شهرداری

در تیرماه بخشی از کارگران زن شهرداری به عدم پرداخت بن کارگری توسط این ارگان اعتراض نمودند که همگی در معرض اخراج قرار می گیرند ولی با وساطت افراد با نفوذ اخراج کان لم یکن می شود. در نهایت هر کدام از کارگران زن به ۵ روز کسر حقوق و جلوگیری از پرداخت دستمزدها تا اطلاع ثانوی جریمه می شوند.

۱۷ کارگر اخراجی کارخانه قند بیستون به سرکار بازگشتند

پس از ۴ ماه اخراج ۱۷ کارگر اخراجی کارخانه قند به سرکار خود بازگشتند. این عده از کارگران که به هیات تشخیص اداره کار شکایت کرده بودند سرانجام موفق شده اند به سرکار خود برگردند.

مخالفت با لایحه بیمه همگانی

مسئول امور شهرستانهای خانه های کارگر کشور در جلسه هیات اجرایی خانه کارگر مشهد اعتراف کرد لایحه بیمه همگانی زخمی بر پیکار جامعه کارگری کشور است و اعلام کرد جامعه کارگری با لایحه بیمه همگانی و تامین اجتماعی مخالف است.

عدم پرداخت حقوق کارگران

جمعی از کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی در طی شکایتی به اداره کار و امور اجتماعی مازندران خواستار رسیدگی هر چه سریعتر به مسائل حقوقی خود شده اند. این عده از کارگران به مدت ۵ ماه حقوق دریافت نکرده اند.

اعتصاب کارگران کوره پزخانه در آذربایجان

شرقی

بنا به خبر دریافتی از منابع اپوزیسیون، هزاران کارگر زن و مرد آذری در تاریخ ۷ تیرماه در ۲۶۰ کوره در نزدیک شهر شبستر بمدت ۳ روز دست از کار کشیدند.

خواست این اعتصاب بزرگ کارگری افزایش دستمزد بوده و بلافاصله اداره کار و امور اجتماعی و صاحبان کوره در برابر اعتصاب کارگران به دست و پا میافتند.

بنا به خبر رسیده پس از سه روز اعتصاب و فلج شدن کوره ها اداره کار و صاحبان کوره مجبور شدند بطور کامل با خواست اعتصابیون موافقت کنند.

در حالیکه مقامات رژیم با جارو جنجال اعلام کرده اند که کارگرانی که به اجبار از کارخانه اخراج میشوند، برابر قانون کار می توانند از تسهیلات بیمه بیکاری استفاده کنند، کارگران اخراجی کارخانه گونی بافی بیستون زمانی که برای کارهای تدارکاتی جهت دریافت بیمه بیکاری به اداره کار شهرستان کرمانشاه مراجعه کردند، آن اداره، کارگران را مشمول استفاده از بیمه بیکاری ندانست. علاوه بر این اداره تامین اجتماعی بیستون نیز از تمدید دفترچه های کارگران این واحد به علت عدم پرداخت حق بیمه از سوی کارفرما خودداری کرده است.

تعطیلی کارخانه دوخت خزر

کارخانه دوخت خزر که بیش از ۲۰۰ کارگر دارد در اوایل مرداد تعطیل شده است. قابل توجه است که کارگران این کارخانه به مدت ۲ ماه حقوق و پاداش وعیدی دریافت ننموده اند.

دنباله اصفحه ۹

یادداشتی بر مبارزات مستقل کارگران بیشوفه رود

اشکال مختلف مبارزه بر علیه بیکارسازیها را آغاز نموده اند:

Der Porzellan fabrik Kahla

Der Faser AG Schwarza

Thyssen Duisburg

Krupp_Hoesch in Latmathe und Hohenlinburg

Ruhrholf der Zeche Haus Aden in Bergkamen

اسامی و خبر مبارزات کارگران کارخانه های فوق در روزنامه پرچم شماره های ۳۳ و ۳۴ درج شده است.

دنباله اصفحه ۲

آغاز ششمین سال انتشار کارگر تبعیدی

انجمن ما و نشریه آن طی این مدت و با تاکید بر استقلال خود، طبعاً دارای مشکلات و فراز و فرودهایی نیز بوده، اما از آنجا که ما قصد ماندن داشتیم، ادامه دادیم و قصد داریم پیگیرتر از گذشته ادامه دهیم، زیرا ما پایه اجتماعی داریم و حق داریم!

س. فرهیخته

اطلاعیه

مسئولین بولتن

رفقا: اطلاعیه مسئولین بولتن نظری را برای همگی شما ارسال داشتیم. امید است با همکاری یکایک شما بتوانیم دوره جدید بولتن را منتشر کنیم. منتظر دریافت مقالات، مطالب و نظرات و تجربیات شما در زمینه های مختلف هستیم.

نشریات رسیده:

کمیته پناهندگان آنکارا و شهرستان ها، دفترهای کارگری سوسیالیستی شماره ۱۶ و ۱۷، کمونیست شماره ۶۷، رسانه شماره ۶۸، پیشرو.

۱۲۰۰۰ کارگر بازنشسته نفت متشکل شده اند!

در روزنامه کار و کارگر (مورخ ۲۶ خرداد ۷۲) زیر عنوان «کارگران بازنشسته شرکت نفت را در یابید» اعتراض نامه نماینده ۱۲ هزار نفر از کارگران بازنشسته صنعت نفت علیه عدم پرداخت مبلغ سنوات خدمت به بازنشستگان نفت به چاپ رسیده است که متن آنرا عیناً به چاپ می‌رسانیم!

بسمه تعالی

سرهبر محترم روزنامه کار و کارگر
سلام علیکم

عمر برفت و پاداش سنوات خدمت نرسید. احتراماً به استحضار میرساند اینجانب بعنوان نماینده کارگران بیش از ۱۲۰۰۰ بازنشسته وزارت نفت بعنوان درددل جهت اطلاع مطلب ذیل را بیان می‌نمایم و خواهشمندم مطالب را در آن روزنامه درج نمایند تا شاید مسئولین امر مربوطه کمی به خود آیند و جهت رفع این مشکل کهن صابرین جنگ تحمیلی هرچه زودتر اقدام نمایند.

مسئله از این قرار است که شرکت ملی نفت جمهوری اسلامی ایران پولی را بعنوان سنوات خدمت و همدردی بازنشستگان شرکت نفت به آنان پرداخت می‌نمود با شروع جنگ تحمیلی به سرگردگی شیاطین در سال ۵۹ پرداخت پول از سال ۱۳۵۹ لغایت ۱۳۶۷ بعلت جنگ خانمانسوز تحریم اقتصادی ابرقدرتها علیه جمهوری اسلامی ایران متوقف گردید و از طرف دولت اعلام گردید بعد از اتمام جنگ حتماً پول پرداخت خواهد شد لذا بعد از اتمام جنگ از تاریخ ۷۰/۲/۲۳ اینجانب به نمایندگی بازنشستگان نفت پیگیر نقد فوق شدم و در ملاقاتی که با وزیر نفت داشتم ایشان اطمینان نمودند باید طرح پرداخت پاداش سنوات به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد لذا جهت انجام این مسئله جلسه‌ای در تاریخ ۷۱/۱۰/۱ با حضور وزیر محترم و اینجانب و گروه دیگر از برادران تشکیل شد، پیرو این جلسه طرح جمع‌بندی شده به تصویب مجلس شورای اسلامی نیز رسید و اخبار آن در تاریخ ۷۱/۱۱/۱۹ در مطبوعات روز و از آن جمله در هم روزنامه با عنوان «پرداخت پاداش سنوات خدمت کارگران بازنشسته شرکت نفت» درج گردید.

ولیکن متأسفانه نمیدانم به چه علت و خاطری هم‌اکنون مدت حدود ۵ ماه از طرح و تصویب و درج مطلب فوق می‌گذرد هنوز هم تدبیری جهت پرداخت اتخاذ نگردیده است. ما بازنشستگان عمر بر باد رفته، هنوز هم اندر خم یک کوچه حال ما زجرکشیدگان جنگ تحمیلی و بازنشستگان زحمت‌کش وزارت نفت جهت درد دل سفره دل نزد شما روزنامه محترم بازنموده‌ایم تا بجهت همدردی و راهنمایی به مطلب فوق را در آن روزنامه درج و چاپ و منتشر نمایند تا شاید زندگی باشد در دل مسئولین مربوطه که هرچه زودتر به مسئله عمر برفتگان رسیدگی نمایند. با آرزوی توفیقات روزافزون برای خدمتگزاران واقعی و دلسوز این خطه پاک و میهن اسلامی علی‌الخصوص شما دست‌اندرکاران مطبوعات.

با تشکر
نماینده کارکنان و کارگران بازنشسته شرکت نفت، شیراز

چند نکته پیرامون نامه فوق

صرفنظر از ظاهر نامه که برای

گذشتن از سدهای بی‌شمار سانسور دولتی

نامه اعتراضی اتحادیه کارکنان آتش نشانی به سفارت جمهوری اسلامی

آقای سفیر

کمیته شماره ۱۱ منطقه جنوب غربی اتحادیه آتش نشانی اخیراً مطلع شده است که، جمهوری اسلامی همچنان به سرکوب کارگران و تشکلات آنها ادامه می‌دهد. و محاکمه فعالین سیاسی در دادگاه های سیاسی و محکومیت و اعدام آنان طبق روال همیشگی ادامه دارد.

همچنین اطلاع حاصل کرده ایم که رفتار غیر منصفانه نسبت به زنان کارگر و قطع مزایای فرزندان آنها، اکنون که دیگر برای ادامه جنگ ایران و عراق به گوشت دم توپ نیازی نیست، تحت عنوان کنترل جمعیت، همچنان ادامه دارد.

ما سرکوب کارگران و پایمال کردن حقوق زنان در جمهوری اسلامی را شدیداً محکوم کرده و از دولت ایران توقع داریم، به عنوان یکی از اعضاء سازمان بین المللی کار، در چارچوب اساسنامه این سازمان عمل کند.

این کمیته نظر خود را در مورد مسائل فوق به دبیر کل اتحادیه کارکنان آتش نشانی که عضو شورای عالی تن. یو. سی است، اعلام خواهد کرد. و ادامه لغو مفاد اساسنامه‌ای سازمان بین المللی کار را توسط اعضاء خودنش. یادآوری خواهد کرد.

تقاضا داریم محتویات این نامه را به اطلاع اولیاء امور در جمهوری اسلامی ایران برسانید.

با احترام

ری مونی

دبیر منطقه ای اتحادیه آتش نشانی

پاسخ سفارت جمهوری اسلامی (لندن) به نامه اعتراضی اتحادیه نالگو

در باره: لایحه پیشنهادی لغو مزایای مرخصی دوران بارداری

آقای تیلور عزیز

نامه ۲۶ آوریل ۱۹۹۳ شما را در مورد موضوع فوق دریافت کردیم و از محتوای آن اطلاع حاصل شد.

از شما بخواهیم نشان دادن علاقه به مسائل مربوط به جمهوری اسلامی ایران سپاسگزاریم.

در جواب نامه شما باید عرض کنم که در ایران، مثل خیلی کشورهای دیگر، معمولاً پدر در خانواده مسئول امور مالی و غیره به شمار می‌آید. و بنابراین او است که حق اولاد دریافت می‌کند و به مصرف خانواده می‌رساند. تا آنجا که به مرخصی زنان مربوط می‌شود مادری که منتظر تولد نوزاد خود است، با دریافت نامه ای از دکتر خود می‌تواند از مزایای بارداری استفاده کند.

همانطور که می‌دانید در مواقعه ای، امر کامیابی مملکت ایجاب می‌کند که جهت کنترل نرخ زایمان تدابیری در نظر گرفته شود، همانطور که بطور موفقیت آمیزی در چین انجام گرفته و این مسئله ربطی به تبعیض قائل شدن برای زنان ندارد.

امیدواریم مطالب فوق موضوع را روشن کرده باشد و به شما اطمینان می‌دهیم که در این مورد توجه زیادی مبذول داریم.

با احترامات فائقه

سفارت جمهوری اسلامی ایران

پیام انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی (انگلستان)

به مناسبت پنجمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷

دوستان،

کشتار زندانیان سیاسی در سیاه چال های رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی، در تابستان ۶۷ - که با قطع کلیه ملاقات های زندانیان در زندان های اوین، اصفهان و مشهد و چند شهرستان دیگر آغاز گردید - برگ سیاه دیگری است در تاریخ حاکمیت این رژیم. دژخیمان تازه فارغ شده از جنگ ارتجاعی، از وحشت اینکه میباید توده های خشمگین از ۸ سال مصیبت جنگ، به سراغشان بیایند، قتل عام مخفیانه صدها زندانی سیاسی را در دستور کار خود قرار دادند. این پورش رژیم که در مقابل مبارزات زندانیان سیاسی صورت گرفت، حتی با اعتراض مجامع بین المللی حقوق بشر مواجه شد.

دستگیری و زندان، شکنجه و اعدام، و ترور، تنها پاسخ رژیم به مخالفین سیاسی خود بوده و هست. این رژیم با گسترش ابعاد سرکوب زنان و اقلیت های ملی و مذهبی در ایران، هر گونه صدای اعتراض آنان را در گلو خفه کرده و در مقابل خواست های برحق آنان از کثیف ترین و وحشیانه ترین شیوه ها استفاده می کند. رژیم همچنین در سال های اخیر در خارج از مرزهای ایران با ایجاد شبکه های تروریستی تحت پوشش اماکن به اصطلاح دیپلماتیک و نهادهای فرهنگی و غیره، به ترور مخالفین خود پرداخته و در صدد ایجاد رعب و وحشت در میان آنها است.

رژیم جمهوری اسلامی و حکام آن از ابتدای به قدرت رسیدن تا کنون نه تنها ناتوانی خود را در حل معضلات جامعه ایران نشان داده اند، بل که خود اولین مانع در راه هر گونه تحول انقلابی در آن هستند. بنابراین، این رژیم سر تا پا ارتجاعی (مانند هر رژیم سرمایه داری در جهان) برای ادامه حیات ننگین خود تنها می تواند به ماشین سرکوب و دستگاه های پلیسی خود اتکاء کند.

سرکوب کارگران ایران و به انقیاد کشیدن آنها زیر پوشش قانون کار ارتجاعی یکی دیگر از ابزار های تداوم حاکمیت رژیم به شمار می رود. کارگران ایران از ابتدای ترین حقوق صنفی و سیاسی خود محروم گشته اند و به محروم ترین بخش جامعه ایران تبدیل شده اند. هر گونه صدای اعتراض آنان با اخراج و دستگیری، زندان و جرحه اعدام، پاسخ داده می شود.

طبقه کارگر ایران اما، دیگر طبقه کارگر سال های ۳۲ و یا حتی ۵۷ نیست. طبقه کارگر ایران در طول ۱۴ سال گذشته مختصت حاکم بر این رژیم را به دقت زیر نظر داشته و به گردآوری تجارب مبارزاتی و استخراج درس های لازم جهت سازمان دهی مبارزات خود، پرداخته است. در طی تنها یکسال علی رغم جو سرکوب و اختناق، موفق به سازماندهی ۲۰۰۰ اعتراض و اعتصاب در واحد های تولیدی کوچک و بزرگ، شد. اما بهایی که در این راه پرداخت بسیار سنگین و دردناک بود. بسیاری از این اعتراضات با سرکوب شدید و کشتار کارگران توسط رژیم، روبرو شد. هم اکنون هزاران کارگر مبارز در اسارت رژیم بسر می برند. لیست اسامی صدها نفر از آنان که تاکنون به جرحه های اعدام سپرده شده اند گواه این حقیقت است. بخشی از آنان که از تیغ رژیم جان سالم به در برده اند مجبور به ترک ایران شده اند.

اگر در سال های ۳۲ و مقطع قیام ۵۷ دلالان سازش طبقاتی در ایران - امثال حزب توده، اکثریت و لیبرال ها و اقدار آنان - می توانستند تحت جو حاکم، حکومت مصدق را "مردمی" خمینی را "صد امپریالیست" و بالاخره اسلام را نوعی سوسیالیسم به طبقه کارگر معرفی کنند؛ و اگر اینان در آن شرایط، برای بدست آوردن اندکی امتیاز و جایگاهی در بارگاه حاکمیت رژیم، حاضر شدند حتی در لو دادن مبارزین و انقلابیون با دستگاه های پلیس رژیم همکاری کنند؛ اما در شرایط کنونی طبقه کارگر از چنان درجه ای از تجربه و آگاهی برخوردار است که دیگر هرگز اجازه نخواهد داد مشتقی سازشکار و فرصت طلب سرنوشت آن را به دست گیرند.

آری، امروز باز ماندگان و خانواده های ماززینی که جان خود را در راه کسب آزادی و دموکراسی از دست دادند، باید بدانند که چه کسانی جهت شناسائی و دستگیری فرزندان آنان در رکاب دژخیمان رژیم خدمت می کردند. اینان تنها زمانی که خود نیز مژه سرکوب رژیم را چشیدند و از بارگاه رژیم به بیرون پرتاب شدند، تنها در آن زمان نعمت مبارزه علیه زورگویی های رژیم را سردادند. و حتی در آن زمان هم خواستشان از رژیم تنها آزادی زندانیان وابسته به حزب توده بود! امروز هم شکی نیست که همچنان به دنبال جناحی در درون همین رژیم خونخوار می گردند تا با ظاهر شدن کوچکترین چراغ سبزی آوای استحاله رژیم را سر دهند تا شاید بتوانند بار دیگر جایگاهی در آن برای خود بدست آورند.

اما مبارزه علیه اعدام ها و ترور های رژیم و دفاع از حقوق دموکراتیک مردم می تواند و باید کلیه اقشار ذینفع را در بر گیرد. امروز نیروهای مترقی و انقلابی باید از ایجاد هر گونه کمیته و نهاد مبارزاتی در جهت آشفته سیاست های سرکوب گرانه و تروریسم رژیم جمهوری اسلامی استقبال کنند.

انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی خود را در غم و اندوه کلیه خانواده های زندانیان سیاسی در خون تپیده شریک می داند و معتقد است ضربه نهایی به رژیم و برقراری آزادی و دموکراسی در ایران، تنها از طریق سرنگونی این رژیم قابل حصول است و در این راستا از هیچ گونه همکاری و مشارکتی دریغ نمی ورزد.

یاد همه مبارزین به خون تپیده گرامی باد!

سرنگون باد رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی

انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی

۱۸ سپتامبر ۱۹۹۳

به شکل شکوائیه تنظیم شده است، خود اعتراض نامه، حکایت از يك خبر مهم دارد: ۱۲ هزار تن از کارگران بازنشسته نفت مدتهاست با ایجاد ارتباطاتی بین خود، متشکل شده و از میان خود نماینده ای را انتخاب کرده اند، همین امر نشانگر این واقعیت است که نفتگران بازنشسته بعنوان پرسابقه ترین نسل کارگران صنعتی ایران پیوندشان را با سنن و تجارب گذشته خود حفظ نموده اند و سنت سازمان یابی به بخشی از آگاهی آنها تبدیل شده است.

وجود تشکیلی از کارگران و آمادگی آنها برای استفاده از هر فرصتی جهت ایجاد روابط سازمانیافته بین خود، نشان میدهد که کارگران دردمند ایران که تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی يك قطره آب خوش از گلویشان پائین نرفته، منتظر امکان و فرصتی هستند تا اعتراض خود را به شرایط موجود انعکاس دهند و مصمم هستند با متشکل نمودن خود، بخشی از دستاوردهای از کف رفته و حقوق پایمال شده خود را از رژیم ضد کارگری بازستانند.

ازمنحه ۱۷ مطالب رسیده

به «کارگر تبعیدی»

رفیق اکبر از ونکودر، گزارش شما بدستمان رسید. از زحمات و تلاش شما سپاسگزاریم. در رابطه با گزارشتان ذکر چند نکته لازم است:

الف - گزارش شما اطلاعات مفیدی دارد که ما از آن استفاده خواهیم کرد. اما چاپ آن بدین صورت در نشریه مناسب نیست.

ب - در این گزارش مسائل تاریخی از کشاورزی تکنیک نشده است.

ج - موضوعات بعضا قدیمی است و هیچ حادثه جدیدی را منعکس نمی کند.

د - هدف گزارش نامشخص است.

پیشنهاد ما اینست در باره شورای کارگری کارخانه مقدمه یند گزارش مستقل تنظیم نناید و برایمان بفرستید، دستتان را بگرمی می فشاریم.

ما خواهان تشکلهای مستقل خود هستیم

اگر به اطراف خود نگاهی کنیم ، می توانیم شاهد این باشیم که احزاب ، گروهها و سازمانهای مختلفی وجود دارند که همگی آنها ادعای نمایندگی ، رهبری و پیشاهنگی ما را دارند. اما وقتی به برنامه های آنها نگاه کنیم ، اکثرا یک بهانه ای علیه سوسیالیسم دارند، و این بهانه خود را در «مرحله انقلاب» به نمایش می گذارد. از نظر آنها این «مرحله انقلاب» شامل رشد اقتصادی از یک طرف و آمادگی ما برای انقلاب سوسیالیستی از طرف دیگر است .

از نظر آنها ، ما باید در این انقلاب ، که تحت عنوان جمهوری های مختلف عرضه میشود ، شرکت کرده ، سرمایه داران خارجی و سلطه امپریالیسم را قطع کنیم و همزمان با این مسئله اقتصاد را شکوفا سازیم . همینطور بقول خود اینها ، مناسبات سرمایه داران پا برجا خواهد ماند، یعنی اینکه به حال ما فرقی نخواهد کرد. چرا که ما بار استثمار را با خود یدک خواهیم کشید. گذشته از آن ما که قادر نخواهیم بود سرمایه دار شویم ، یعنی اینکه میلیونها کارگر ایرانی نخواهند توانست بجای چند صد سرمایه دار بنشینند، پس این امر « خطیر » نیز به عهده اینان خواهد بود.

در عین حال اینان به ما از اوضاع جهانی و ایران تحلیلهای متعددی میدهند و در همین راستا برای ما دوستان و دشمنانی نیز « طرح » می کنند. مثلا از نظر اینان دوستان ما عبارتند از : دکان داران - که حاجیان بازار نیز از همین قشرند - دهقانان ، صاحبان کارخانه ها و ... همینطور دشمنان ما از نظر اینان صاحبان بانکها، سرمایه داران خارجی و ... هستند. واقعیت اینستکه ، اینان اختلافات درون طبقه ای خود را به ما نسبت میدهند ، یعنی اینکه فلان کارخانه دار بطور واقعی از فلان سرمایه دار خارجی خوشش نمی آید ، چرا که این کارخانه دار ایرانی قادر به رقابت با سرمایه دار خارجی نیست و بنابراین ورشکست شده و از بین می رود. گذشته از آن تمام دوستانی که اینان برای ما انتخاب کرده اند همه و همه مدافع مالکیت خصوصی سرمایه داران هستند و در واقع برای ما نه دوستان « طرح » شده و نه دشمنان « طرح » شده فرقی ندارند، چرا که هم دوستان و هم دشمنان « طرح » شده مدافع سرسخت مناسبات سرمایه داری و استثمار ما هستند.

نکته دیگری که در این رابطه باید به آن اشاره کنم اینستکه ، به اعتقاد اینان در جمهوری های مختلف (جمهوری دمکراتیک خلق ، جمهوری دمکراتیک نوین ، جمهوری دمکراتیک انقلابی و ... ما امکان آنرا بدست می آوریم تا برای انقلاب سوسیالیستی آمادگی پیدا کنیم . اما این حقیقت ندارد، چرا که

وقتی اینان از رشد اقتصادی حرف می زنند، بیان عملی اش یعنی اینکه ، ما باید ارزش اضافی بیشتری نسبت به گذشته تولید کنیم، چرا که از نظر اینان ما حالا برای « میهن » خود تولید می کنیم .

آنچه که از نظر اینان اهمیت ندارد، استثمار ماست ، و اینان این نکته را نمی توانند درک کنند که اولاً برای ما سرمایه خارجی و ایرانی هیچ فرقی ندارد، ثانياً اگر ما به هر کجای دنیا که برویم، باز هم کارگریم و استثمار می شویم ، بنابراین سرمایه از نظر ما سرمایه است و همه جا یک کارکرد دارد.

گذشته از آن ، چنانچه شما با نیروی ما بر آریکه قدرن تکیه زنید و ما کوچکترین اعتراضی نسبت به شما و در رابطه با شرایط کارمان داشته باشیم ، قطعاً لقب ضد انقلاب ، ضد رشد اقتصادی و ... به ما خواهید داد.

و اما آنچه که شما در رابطه با آمادگی ما برای انقلاب سوسیالیستی می گوئید : صرفاً و صرفاً یک دروغ آشکار است ، چرا که برنامه های شما بیان آرزوهای سیاسی - اقتصادی بورژوازی ورشکسته ایست که با انقلاب - از نوع انقلابات شما - خواهد به تمام ناکامیهایش جواب بدهد. پس « آمادگی » حرفی پرچی است ، که فقط و فقط برای به میان کشیدن ما و سرمایه استفاده از قدرت طبقاتی ما طرح میشود و نه چیز دیگری! گذشته از آن سؤال اینستکه ، علیرغم جمهوری های مختلف شما تا ... که مضمون همه یکی و آن نیز حفظ مناسبات سرمایه داری است و بار این رشد اقتصادی بدوش کی است ؟ یعنی اینکه کدام طبقه و اجتماعی باید با تولید ارزش اضافی بیشتر ، مصائب این رشد اقتصادی را بدوش بکشد ؟ قطعاً ما هستیم ! چرا که ما مالک وسایل تولید نیستیم . بنابراین ما بعنوان طبقه ای تولید کننده که کمترین سهم را از ثروت اجتماعی می برد و در پائین ترین مکان اجتماعی نیز قرار دارد ، می خواهیم چند نکته را به شما تذکر دهیم :

۱- ما و شما دارای دو جایگاه اجتماعی - طبقاتی متفاوت هستیم . بنابراین خواسته ها و اهداف ما و شما دقیقاً در مقابل یکدیگر قرار دارد، چرا که برای ما اصل بر این است که اولاً استثمار نشویم و ثانياً ما با هرگونه استثمار و نابرابری های اجتماعی ، اقتصادی سیاسی و فرهنگی مخالف هستیم . بنابراین چیزی که شما در قالب انواع جمهوری ها بیان می کنید، ربطی به ما ندارد و این صرفاً و «صرفاً» ، بیان آمال و آرزوهای قشرهای مختلف بورژوازی است . گذشته از آن ما خواهان حکم و اصلاح کردن مناسبات سرمایه داری نیستیم ، بلکه ما خواهان درهم شکستن

نمایندگان و پیشروان ما محسوب کنید!

رفقای کارگر:

امروزه چنانچه ما خود را جمع و جور نکنیم و از تجارب چند دهه گذشته درس نگیریم، تجارب تلخ گذشته مجدداً تکرار خواهد شد. پس بنا به واقعیتی که ما داریم، یعنی اینکه ما تنها و تنها طبقه ای هستیم که اولاً پراکنده نیستیم (مثلاً مثل دکاندار و یا دهقان و...) و گذشته از آن مالکیت ما را از هم جدا نکرده، ثانیاً، ما همه تولید کننده و زندگی مشابه با هم داریم، ثالثاً، مشکلات و مسائل ما، مشکلات و مسائل عمری است، رابعاً، همه ما استثمار می شویم. پس ما باید تشکلهای مستقل خود را داشته باشیم، که قادر باشیم بوسیله این تشکلهای مستقل به مسائل، مشکلات، موضوعات و... خود بپردازیم و خود راه حل پیدا کنیم و با مبارزه متحد خود به اهدافمان جامه عمل ببوشانیم. قطعاً طبقات دیگر فقط و فقط ما را برای گوشت دم توپ می خواهند و نه چیز دیگری. بنابراین ما احتیاج به تشکلهایی داریم که: رهبران، رهبران خود ما باشند، اعضایش اعضای خود ما باشند، مشغله هایش، مشغله های خود ما باشد، موضوعاتش موضوعات خود ما باشد (من ضد روشنفکرانی نیستم که واقعا با ما همگام هستند، بلکه من احترام فوق العاده ایی برای آنها نیز قائل هستم و... پس پیش بسوی تشکلهای مستقل کارگری.

زنده باد سوسیالیسم

امیرصفائی

۹۳/۷/۲۹

دهها کارگر معدن «باب نیزو» کرمان در زیرخوارها سنگ مدفون شدند

یکی از تونلهای معدن باب نیزو در اثر انفجار منهدم و حداقل ۲۰ کارگر جان خود را از دست دادند. انفجار معدن فوق در شرایطی رخ داد که قبل از وقوع آن یکی از کارشناسان، وقوع انفجار در تونل را پیش بینی کرده بود ولی مسئولین معدن با بی ارزش شمردن جان کارگران به اخطار کارشناس توجه نکرده بودند.

به گزارش روزنامه سلام (مورخ ۷۲/۶/۱) انفجار روز پنجشنبه ۲۰ مرداد رخ داده است و بجز کسانی که کشته شده اند، ۱۸ نفر دیگر نیز مجروح گشته اند. این روزنامه تصریح نمود، هنوز گزارش درستی در باره آمار کشته ها و مجروحین منتشر نشده است.

انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی، این ضایعه دردناک و دلخراش را به بازماندگان آنها و همه کارگران تسلیت می گوید.

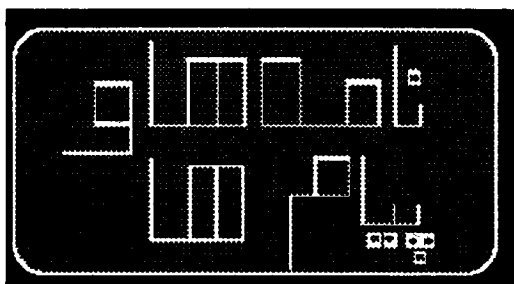
و از بین بردن مناسبات سرمایه داری هستیم. بنابراین ما بیان دوطبقه متفاوت با برنامه های متفاوت هستیم.

۲- شما که تمام کوشش خود را در حک و اصلاح کردن مناسبات سرمایه داری بکار می برید، چرا با نام ما سخن می گوئید؟ و چرا با نام ما از مناسبات سرمایه داری دفاع می کنید؟ واقعیت اینستکه ما اکثریت جامعه را تشکیل می دهیم، و همیشه معترض هستیم و این دو ویژگی، ویژگیهای مهمی است که سایر طبقات اجتماعی از آنها برخوردار نیستند و شما می خواهید از این دو ویژگی ما سوء استفاده کرده و ما را به کشتن دهید، آنها در جهت اهداف خودتان! به بیان دیگر این برخورد شما نسبت به ما، برخورد تازه ای نیست، چرا که در طول تاریخ طبقات، همواره طبقات حاکمه برای یکسره کردن اختلافات درونی خود، از نیروی طبقه دیگر استفاده می کردند.

گذشته از آن تجربه انقلاب ۵۷، اگر چه برای ما خیلی گران تمام شد(و آن ناشی از عدم شناخت ماهیت طبقاتی شما بود) ولی تجربه ایی بود که شما را تمام و کمال تجربه کردیم، و آن اینکه، زمانی که رهبران کارگری تمام هم و غم خود را بر سر متحد کردن کل طبقه کارگر گذاشته بودند، شما همواره سعی در تکه پاره کردن ما داشتید، و تقریباً نیز موفق بودید. سوال اینستکه چرا شما سعی در پاره پاره کردن ما داشتید و هنوز هم دارید؟ چرا می خواهید قدرت ما را تکه تکه کنید؟ چرا به انواع و اقسام شیوه ها متوسل می شدید و هنوز هم می شوید، تا ما نتوانیم هم چون تنی واحد در مقابل سرمایه قد علم کنیم؟ و... واقعیت اینستکه شما و طبقه حاکمه از یک جنس هستید، و فقط بر سر چگونگی اداره امور دولت و سیاست با هم اختلاف دارید!

۳- تمامی شما، خود را رهبران، نمایندگان و پیشروان ما می دانید، اما این حقیقت ندارد، چرا که همه چیز ما و شما با هم فرق اساسی دارد. موضوعات ما، موضوعات دیگری هستند، همینطور سنتها و مسائل ما و...! شما به عدد یک نمی توانید بگوئید این عدد، عدد هفت است، بازرگان با فلان رهبر کارگری فرق دارد. بازرگان برنامه ها، سنتها و اهداف دیگری را دنبال می کند و فلان رهبر کارگری برنامه ها، سنتها و اهداف دیگری را! همانطور که شما از حک و اصلاح کردن مناسبات سرمایه داری حرف می زنید، ما از انقلاب اجتماعی خودمان - سوسیالیسم - از درهم ریختن مناسبات سرمایه داری، از حذف کلیه نابرابری های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی حرف می زنیم.

بنابراین ما با هم خیلی فاصله داریم! و خیلی احمقانه است که با وجود این فاصله زیاد، باز هم شما خود را رهبران،



یا اعضاء فعال انجمن در همان کشور
بیش ببرند.

* دوستان عزیز امیر ، اکبر
درخواست اشترك شما برای واحد توزیع
کانادا ارسال گردید . از ابراز محبتتان به
انجمن سپاسگزاریم .

* (سهند) - نامه شما را دریافت

داشتیم. منتظر نامه دیگری از طرف
شما هستیم.

هلند

* رفقای واحد هلند نامه و نوشته
شما در باره اقداماتتان در رابطه با جلب
حمایت اتحادیه کارگری آنجا بدستمان رسید.
پاسخ درخواست شما را ارسال می کنیم .

* رفیق عزیز خ . نامه شما
رسید. زحمات شما قابل قدردانی است .
راجع به پیشنهاداتتان با خطوط کلی آن
موافقیم و چنین بحثی اخیراً موضوع مورد
نظر رفقای هیئت هماهنگی بوده است . اگر
طرح یا توضیحات مشخص تری در این
رابطه دارید برایمان بفرستید.

* (الف، الف و خ) - نامه شما را

دریافت داشته و مدارک خواسته شده
را برایتان ارسال کردیم.

* (الف) - نامه شما را که در مورد

بهبود وضع نشریه بود دریافت داشته و
حتماً مواردی را که اشاره کرده بودید
را مد نظر قرار خواهیم داد.

نروژ

رفیق گرامی ص . نامه شما
رسید. امیدواریم بتوانیم از تجربیات شما در
رابطه با اهداف مشترکمان استفاده کنیم .
هیئت هماهنگی مجدداً نامه ای به همراه
چند نوشته برای شما ارسال کرد. منتظر
پاسخ شما راجع به هماهنگ شدن کار
توزیع نشریه و ارتباطات در نروژ هستیم .
امیدواریم تا رفقا و دوستان کارگر در نروژ
سریعا با شما تماس بگیرند.

تقاضای ما اینست که این مبلغ را به
همان ترتیبی که در یادداشت ارسال آمده
بدست دوستان کارگرممان برسانید. ضمناً
واحد سوئد و چند نیروی دیگر در حال
مذاکره جهت ایجاد يك کمیته دفاعی موقت
از پناهندگان ترکیه هستند که امیدواریم
تلاشهای رفقا به نتیجه برسد.

* (الف - ج - ر - ح) - نامه های

خواسته شده ارسال گردید. کپی آنها
را برایتان می فرستیم.

ترکیه (حزب کمونیست کارگری عراق)
- نامه تان رسید.

* (تعدادی از هواداران سابق

سازمان مجاهدین خلق) - مطلب شما
را دریافت داشتیم.

* (H-A) - از دریافت نامه تان

بسیار خوشحال شدیم امید است
مشکلاتتان بزودی بر طرف شود.
همواره منتظر نامه از طرف شما هستیم.

* (ب) مطلب ارسال شما

(واقعیاتی از یک نگاه) را دریافت
داشتیم.

کانادا

* ف و ف - نوشته هایی شامل
مباحث مجمع عمومی و توضیحات دیگر و
همچنین پیشنهادهاتی جهت پیشرفت کارها
به همراه چند آدرس در کانادا برایتان ارسال
گردید.

* م . الف - توصیه ما اینست

که تمامی رفقا و دوستداران انجمن
ارتباطات و مسائل خود را از طریق واحد

ترکیه

* الف . الف و منصور - در
رابطه با وضعیت شما اقدامات هماهنگی از
نقاط مختلف صورت گرفته است .
امیدواریم این اقدام در حل مشکلات کنونی
و خروج شما از ترکیه موثر افتد. گزارش و
کپی اسناد اقدامات یاد شده برایتان ارسال
می گردد.

* کاظم . ت - جهت رهایی شما

از آن شرایط ناگوار و اقدامات احتمالی ما
در آینده نامه ای برایتان ارسال گردیده
است. منتظر پاسخ و توضیحات شما
هستیم .

* ص . ع - رفقای ما بدلیل

مشکلاتی که داشته اند متأسفانه برخورد
فعالی به درخواست شما نکرده اند. نشریه
کارگر تبعیدی را می توانید از طریق رفقای
کمیته پناهندگان تهیه نمائید.

* حمزه گرامی از طریق یکی از

اعضاء در جریان مشکلات و درخواست شما
قرار گرفتیم . بنا به تجربه ای که ما در
ارتباط با UN داریم با توجه به نتیجه
مثبت اقدام قبلی و قبولی شما تا روشن
شدن وضعیت هیئت شما، اقدام موثری
نمیتوان کرد مگر در شرایطی ویژه . به هر
صورت جهت رفع مشکل شما تلاشهای
خودمان را خواهیم کرد .

* دوستان و رفقای کمیته

پناهندگان آنکارا و شهرستانها. ما در حد
توان خود سعی کردیم اخبار شرایط و
اوضاع ترکیه را سریعا منعکس نمائیم. با
توجه به شرایط اخیر انجمن ما فعالیت ها
و اقداماتی را در دستورکار خود گذاشته است
که متعاقباً به اطلاع شما و دیگران خواهد
رسید. ضمناً مبلغی به عنوان کمک مالی از
طرف اعضای انجمن برایتان ارسال میگردد.

مطالب رسیده به «کارگر تبعیدی»

شورای پناهندگان ایرانی در ترکیه، کپی گزارش فعالیت شما در مراسم اول ماه مه شهرستانهای استانبول و چروم بدست ما رسید، از اینکه ما را در جریان فعالیتهای خود قرار داده اید بسیار سپاسگزاریم.

* رفیق عزیز «ب» ، کپی مطلب ارسالی شما به عنوان « واقعیاتی از يك نگاه » ، پیرامون بررسی ماهیت UN و انتقاداتی که به شیوه کار دو تشکل شورای پناهندگان ایرانی در ترکیه و کمیته پناهندگان آنکارا و شهرستانها نوشته بودید، بدستمان رسید، از لطف شما متشکریم.

* رفیق م - الف گزارش مشروح و جامع شما در باره مصادره زمینهای منطقه ساوجبلاغ و نظرآباد کرج توسط ایادی رژیم و مقاومت کشاورزان برای جلوگیری از مصادره زمینهایشان بدستمان رسید. این نوشته حاوی اطلاعات با ارزشی است اما از آنجا که نشریه کارگر تبعیدی يك نشریه کارگری است از درج مطالب دیگر با محدودیت مواجه است و متأسفانه نمی توانیم آنرا به صورت مقاله چاپ کنیم. معذرا از اطلاعات آن بشکلهای مناسب دیگر استفاده خواهیم کرد. منتظر نامه ها و گزارشات کارگريتان هستیم. موفق باشید.

* رفیق با امضاء محفوظ، گزارش مفصلي از اقدامات و دزدیهای صاحبان شرکت و مسنولان رژیم در منطقه گیلان ارسال نموده که هر چند حاوی افشاگریهای مفیدی است، اما این افشاگریها در انبوه مسائل فرعی، ریز رشت و درگیریهای شخصی گم شده است که مناسب چاپ در نشریه نمی باشد. پیشنهاد ما این است که رفیق ارسال کننده گزارش یند نوشته خلاصه تر از چگونگی شکل گیری سرمایه داران نوکیسه نظیر صاحبان شرکت مزبور و ارتباط آن با مسنولان حکومتی تنظیم نموده و برایمان ارسال کند. دستتان را بگرمی می فشاریم. بقیه در صفحه ۱۲

دانمارک (ح) - با تشکر فراوان از ارسال مطلب در مورد کارگران کشتارگاه ها، از همکاری تان در زمینه های مختلف سپاسگزاریم.

دانمارک (ب) - تشکر ما را به خاطر دو جزوه در مورد وضعیت پناهندگان در آن کشور پذیرید.

استرالیا- رفقای تازه رسیده از ترکیه- منتظر ارسال نامه شما هستیم. لطفاً با آدرس مندرج در نشریه کارگر تبعیدی با ما تماس بگیرید.

دوست گرامی تقی در استرالیا، لطفاً با انجمن تماس بگیرید.

آلمان (س) - اطلاعیه شما رسید. امید است در پیشبرد کارها موفق باشید.

آلمان (ح) - نامه های متوالی شما را دریافت داشته، امید است در پیشبرد کارها همواره موفق باشید.

بهرام عزیز- کتاب ارسالی شما در مورد (مجموعه اسنادی در رابطه با فعالیت های تروریستی جمهوری اسلامی ایران) را دریافت داشتیم. امید است در کارهایتان موفق باشید.

اتریش (الف) - با تشکر از ارسال نامه ات، امید است همواره در کارها موفق باشی.

* یکی از فعالین سابق شورای یونان منتظر برقراری تماس مجدد با شما هستیم.

* واحد سوند جهت پیشبرد فعالیت ها و اهداف خود نیاز به همکاری دوستان و رفقای دارد که در امر ترجمه (سوندی و انگلیسی) بتوانند آنها را یاری کنند. از دوستان انجمن کارگران که مایل به همکاری هستند دعوت می کنیم تا با واحد سوند تماس بگیرند.

* فرهاد عزیز نامه شما همراه با گزارش اقداماتتان وقتی بدست ما رسید که شماره گذشته نشریه آماده چاپ بود. زحمات شما قابل قدردانی است. امیدواریم با همکاری شما شاهد موفقیت بیشتر واحد سوند باشیم. ضمناً نامه اخیر شما به همراه حق اشتراك نشریه رسید.

* دوست گرامی الف. م - درخواست عضویت شما در انجمن بدستمان رسید. در این باره نامه ای برایتان ارسال میگردد. واحدهای انجمن بنا به اساسنامه ما در چگونگی عضوگیری مستقل هستند و واحد سوند نیز بعد از طی مراحل ثبت رسمی عضوگیری خود را آغاز کرده است.

* محسن گرامی گزارش ارسالی تان بدستمان رسید. همانطور که می بینید در همین شماره نشریه از آن استفاده شده است. از شما و رفقای که در کانادا جهت تهیه این گزارش با انجمن همکاری کرده اند تشکر می کنیم. امیدواریم تا در آینده، همکاری فعالتری داشته باشیم. ضمناً هیئت هماهنگی پیامی برای کارگران اعتصابی ارسال نموده است.

* (م) - منتظر نامه تان هستیم. امید است مشکلات شما بر طرف شده و با محیط جدید خو گرفته باشید.

* (م) - نامه های شما را دریافت داشته و برایتان آرزوی موفقیت داریم.

* (خ و ح) - استقرار شما در آن کشور باعث خوشحالی همگی ماست، امید است شاهد تلاش شما رفقای عزیز در پیشبرد اهدافمان در آن کشور باشیم.

* رفقای کمیته خارج از کشور حزب کمونیست ایران - جزوه نگاهی به تاریخچه جنبش کارگری و سوسیال دمکراسی در سوند بدستمان رسید. بابت نشریات ارسالی (کمونیست و رسانه) نیز تشکر می کنیم. همکاری و حمایت شما و دیگر نیروهای انقلابی و مترقی موجب دلگرمی ما است.

آیا علت بیکاری واردات کالا است ؟

حل کرد اما گرانی را بدنبال آورد. جنگ بخش اعظم درآمدهای ارزی ایران را بلعید و اقتصاد ایران بدهکار بخش خصوصی شد، پولهای زیادی چاپ گشت که به جیب بورژوازی سرازیر گردید. حجم نقدینگی نسبت به قبل از انقلاب ۲۰ برابر شده است اما حجم پول رابطه معینی دارد با کالاهایی که در بازار وجود دارد در حالیکه حجم پول در گردش افزایش پیدا کرده حجم کالا کاهش داشته و این تنها به رشد تورم انجامیده است. دولت در دوره جنگ منابع کشور را مصرف نمود، خرابیهای حاصله سرمایه می طلبد اما پول ارزش خود را از دست داده است. در این شرایط سرمایه داران ایران احتکار را سازمان داده اند و وارد تولید نمی گردند. دولت می بایست یا سرمایه داران را محاصره نماید یا آنها را جذب کند. دولت رفسنجانی راه دوم را برگزید. اما سرمایه داران منابع و کارخانه های دولت را نمی خردند زیرا آنها مستهلک شده اند، زیرا فاقد قابلیت برای رقابت هستند، زیرا فاقد مواد خام اند. سرمایه داران تنها بشرط حراج حاضرند کارخانه های دولتی را بخرند، مسئله برای دولت تنها بدهکاری به کشورهای خارجی نیست، این میزان بدهی، دولت، در مقابل سرمایه داران داخلی رقم ناچیزی را تشکیل می دهد. بدین خاطر است که بورژوازی داخل بشرطی حاضر است کارخانه ها را خریداری نماید که نیروی مازاد یا نیروی کار در کارخانه را حراجی کند، قانون کار فعلی را که تحت توازن قوای معینی تصویب شده بود بیشتر ضد کارگری کند و مفاد دیگری علیه کارگران در قانون کار بگنجانند. بیمه بیکاری در کار نباشد، سیستم تامین اجتماعی به هر شکلی برچیده شود و خصوصی کردن بی قید و شرط به پیش رود. علت بیکاری، واردات کالاهای خارجی نیست، بلکه بازسازی سرمایه داران اقتصاد ایران است. خانه کارگر از ورود کالاهای خارجی بگونه ای صحبت می کند که یک نیروی خارجی این عمل را انجام می دهد. این دولت رفسنجانی است که در راستای رهنمود بانک جهانی و صندوق بین المللی پول ناگزیر به واردات کالاها و خصوصی سازیهاست که چیزی جز بیکارسازی میلیونی نتیجه ای در بر نخواهد داشت.

نرخ بیکاری در ایران :

معاون اشتغال وزارت کار و امور اجتماعی در یک مصاحبه اختصاصی با روزنامه کار و کارگر اعلام نمود: «نرخ بیکاری کشور از ۱۵/۹ درصد در ابتدای برنامه اول به ۱۱/۴ درصد در سال گذشته رسیده است. این در حالیست که در پایان برنامه اول نرخ بیکاری ۱۳/۴ درصد پیش بینی شده بود»

قبل از اینکه به درستی و نادرستی آمار مذکور بپردازیم یک توضیح در رابطه با آمار از طرف جمهوری اسلامی

خانه کارگر یکی از ابزارهای سرکوب رژیم که وظیفه مسموم کردن اذهان کارگران را بر عهده دارد، اخیرا تلاش می کند تا علت بیکاری سازی کارگران را واردات کالا از خارج جلوه دهد. قبل از اینکه علت اصلی بیکاری در ایران را توضیح دهیم، لازم است چند نکته در باره واردات و صادرات کالا بیان کنیم. طرح بحث از این زاویه که واردات بد است، صادرات خوب است، یا صادرات بد است و واردات خوب است هیچ مسئله ای را روشن نمی کند. واقعیت اینست که نه واردات فی نفسه بد یا خوب است نه صادرات در خود فضیلت است یا مذموم. گاهی واردات بعضی از کالاها اگر بی رویه باشد تولید داخلی را ضربه می زند، مثلا واردات ماشینهای مشابه ماشینهای که در ایران تولید می شود، نه تنها تولیدات داخلی را تقویت نمی کند، بلکه موجب ورشکستگی کارخانه تولید کننده ماشین و از این طریق بیکاری کارگران می گردد. گاهی اوقات اما واردات بعضی از کالاها می تواند مفید باشد، مثلا بعلت کشش پذیری و مصرف بالای برنج و تولید کم داخلی برنج، مبادله برنج با نفت با کشورهای فقیر می تواند عادلانه باشد. گاهی صادرات کالائی نیز می تواند دقیقا به ضرر ما باشد مثلا صادرات فرش در ایران از طریق تباهی جسمی و روحی زنان و معلول کردن کودکان صورت می گیرد. این صادرات غیر انسانی و ضایع کردن نیروی انسانی برای آینده است. بنابراین باید بطور مشخص واردات و صادرات را مورد بررسی قرار داد. در بعضی مواقع واردات آزاد امکان دارد کالاهای دستمزدی را پائین ببرد و در نتیجه هزینه زندگی کارگران را کاهش دهد، این امر بنفع کارگران است و باید از آن استقبال کنند. توده مصرف کننده ضرورتا طرفدار اقتصاد بسته نیستند، مضافا اینکه احزاب راست و بورژوائی امکان دارد طرفدار سرسخت اقتصاد بسته باشند. بطور نمونه دولت ژاپن اجازه ورود یک دانه برنج به این کشور را نمی دهد و مصرف کننده ژاپنی ناگزیر است برنج را ۸ برابر قیمت آن در اروپا خریداری نماید. هزینه این اقتصاد بسته را دقیقا کارگران و توده مصرف کننده می پردازند.

بیکاری در ایران از دلائل دیگری برخوردار است. دولت جمهوری اسلامی با وارد کردن ناگهانی بیش از ۲۰ میلیارد دلار کالا تا حدود زیادی شیرازه اقتصاد را در هم ریخت. این کالاها یا واسطه ای بودند که با آن کارخانه ها به راه نیافتاد، یا تسلیحاتی بودند که برای جامعه ما جز ضرر چیزی در بر نداشت، یا مصرفی بودند که به مصرف توده پایین نمی رسید. این واردات کالاها برای رفع عطش اقشار میانی بود که کمیابی را

خواستهای خود را در شرایط بسیار فلاکتباری طرح می کند در حالی که اگر در دوره روق بسر می بردیم ، این سطح از توقعات نه تنها طرح نمی شد بلکه کارگران در حالت تعرضی تر به مبارزه می پرداختند. هر چند در دوره روق ثبات اشتغال نیست لیکن تحرک اشتغال وجود دارد و اگر راهی بسته شود راه دیگری گشوده می گردد. اما در شرایط کنونی کارگران نه تنها امیدی به اشتغال جدید ندارند بلکه با از دست دادن شغل خود امید پیدا کردن هر شغلی را از دست می دهند. آیا این نتیجه ای جز افزایش نرخ بیکاری دربر دارد ؟

طالب

مرداد ماه ۷۲

مبارزه یکساله ۸۴ کارگر اخراجی در کانادا

اکنون بیش از یکسال است که شرکت Western Groces که شعبه ای از کمپانی بزرگ West Fair Foods Ltd می باشد، ۸۴ نفر از کارگران خود را در شهر ریجینا کانادا اخراج کرده است. علت اخراج کارگران مخالفت آنها علیه قانونی بوده است که از سوی مدیریت شرکت به مورد اجرا گذاشته شده بود. بر اساس این قانون :

- الف - تمامی کارگران تمام وقت بالاچار اخراج شده و به جای آنها کارگران نیمه وقت استخدام می شود.
- ب - سلب مسئولیت شرکت از رعایت بعضی از قوانین بیمه بیکاری
- ج - عدم پرداخت حق اضافه کاری در روزهای یکشنبه.
- پس از اخراج ۸۴ کارگر، آنها مبارزات پی گیری را علیه شرکت فوق آغاز می کنند و اکنون حدود یکسال است که در روزهای معینی به محیط اطراف شرکت رفته و بصورت دونفره و یا سه نفره با پلاکاردهایی در طول ساعات روز در مسیر عبور و مرور مردم ایستاده و مطالباتشان را با مردم طرح نموده و تقاضای رسیدگی به حقوق شان را دارند.

با وجود اینکه اتحادیه (کارگران اخراجی) اعلام کرده است حاضر به مذاکره با کارفرماست، اما کارفرماتن به مذاکره تمییدهد.

ضرورت دارد. دولت های استبدادی بطور عام و جمهوری اسلامی بطور ویژه نیاز وافر برای وارونه جلوه دادن آمار و ارقام دارند. این مسئله در جمهوری اسلامی بگونه ای است که مردم نه تنها به آمار رژیم اعتماد ندارند بلکه دروغ بودن آنها مسجل می دانند. اکنون مدتی است که جمهوری اسلامی با کمال پروتونی و وقاحت شروع به ارائه آمار در حوزه های مختلف نموده که یک روده راست در آن وجود ندارد. رفسنجانی سردمدار این دستاوردهای دروغین در طی همین سال اعلام نموده است نرخ جمعیت ایران که با اعلام صریح تمام کارشناسان رشد داشته، کاهش یافته است. تورم که تمام ذخیره سفره مردم را بلعیده، کاهش داشته است، گرانی که بیداد می کند و کم مردم مصرف کننده را شکسته است، کاهش یافته است. بدهکاری دولت که اکنون رسوای عام و خاص گشته و رسانه های دنیا آنها افشاء نموده اند کاهش یافته است. این فهرست را می توان ادامه داد اما ذکر همین موارد کافیهست تا دروغ و جعلی بودن آمار در جمهوری اسلامی روشن شود. چگونه ممکن است در شرایطی که نرخ ارز و پول ورشکسته را شناور اعلام می نمایند و ارزش ریال ۲۰ برابر سقوط می نماید که این امر نتیجه ای جز کاهش امکانات دولت برای واردات مواد خام و اولیه ، برای راه اندازی کارخانجات را در بر ندارد، بیکاری کاهش پیدا کند؟ چگونه ممکن است در شرایطی که میزان بدهکاری دولت بالا رفته، و جمهوری اسلامی ناتوان از بازپرداخت آن است و بعلت تعویق همین بدهی ها نتوانسته است روغن نباتی وارد کند، بیکاری کاهش پیدا می کند؟ چگونه ممکن است در شرایطی که در آمد حاصله از نفت کاهش می یابد ، قیمت آن نیز سیر نزولی پیدا می کند، نرخ بیکاری کاهش یابد؟ چگونه نرخ جمعیت افزایش می یابد و بنا به اعتراف کارشناسان خارجی یکی از بالاترین نرخهای رشد جمعیت متعلق به ایران است و این امر نتیجه ای جز افزایش نیروی کار و در نتیجه تقاضا برای کار در بر ندارد، بیکاری کاهش می یابد. چگونه ممکن است در شرایطی که جمهوری اسلامی ناگزیر برای بازسازی باید به تجدید بنای زیر ساخت جامعه که ضرورتا اشتغال زا نیستند بیکاری کاهش یابد؟ چگونه ممکن است با توجه به اعتراف سردمداران رژیم بخش خصوصی در بخش تولید و صنعت سرمایه گذاری نمی کند و اشتغال مولد را بوجود نمی آورد، بیکاری کاهش پیدا کند؟ چگونه ممکن است با سپردن کارخانجات به بخش خصوصی و اجرای طرح تعدیل نیروی انسانی که جز اخراج و بیکارسازی وسیع نتیجه ای در بر نداشته بیکاری کاهش پیدا کند؟ هم اکنون کارگران ایران نه تنها در برابر سرمایه داران قدرت چانه زنی خود را از دست داده اند بلکه از ترس اخراج در شرایط به مراتب نازل تری به مبارزه می پردازند، هم اکنون بخاطر اخراجهای وسیعی که شروع شده طبقه کارگر توقعات و

اعتصابات کارگران کشتارگاههای دانمارک

اولین خواسته کارگران برای قرارداد سال ۹۳، ۳۷ ساعت کار در هفته بعلاوه حق وتو در مقابل خواسته کارفرما برای افزایش ساعات کار هفتگی و همچنین مخالفت کارگران در مورد هماهنگ کردن مذاکرات با اتحادیه کارفرمایان در مورد عقد قرار داد دستجمعی با دیگر اتحادیه های کارگری - که در سال ۹۱ همین زنجیره ای کردن قراردادهای منجر به تحمیل ساعات کار متغیر به کارگران شده بود.

از جمله دلایلی که کارگران برای اعتراض خود داشتند محرومیت آنها از یک زندگی خانوادگی مثل دیگران بوده که بعلمت ساعات کاری که دائما تغییر میکرد بر آنان تحمیل گشته بود و از سوی دیگر در اثر تمرکز سرمایه در سالهای اخیر - که به شکل خرید سهام کشتارگاههای خصوصی توسط یکدیگر و ایجاد بنگاههای بزرگ به وسیله ادغام چند بنگاه در یکدیگر - و تشدید رقابت بین بنگاههای جدید طبق منطق سرمایه این تشدید رقابت فشار طاقت فرسایی را به کارگران وارد آورده و بقول آنها شیوه «قطعه کاری» که مختص این نوع از بنگاههای اقتصادی بوده و در بخشهای اتحادیه به عنوان «شیوه دستمزد متناسب با افزایش تولید» از آن یاد میشود، در اثر افزایش ساعات کار تغییر نکرده و بدتر نیز شده است. برای مثال بد نیست خاطر نشان کنم در اعتصابات اعتراضی برای اخراج ۴ کارگر سریلانکائی عنوان شده بود که اینان نتوانسته اند به شرایط قطعه کاری که باید در هر ساعت ۱۲۵۰ مرغ را آماده سر بریدن نمایند یعنی در هر دقیقه ۲۰ مرغ !!

کارگران کشتارگاهها رکورد سوانح، فرسودگی و امراض ناشی از حرفه را در دانمارک به خود اختصاص داده که آن نیز به دلیل کار یکنواخت و سریع آنان است. این شیوه پرداخت دستمزد بصورت قطعه کاری در دهه ۵۰ در دانمارک متداول گشته و اعتصابات فراوانی را در دهه ۷۰ و ۸۰ برانگیخته است. در موج اعتصابات سال ۱۹۶۹ و ۱۹۷۰ کارگران کشتارگاههای دانمارک یکی از پرتحرک ترین بخش کارگران بوده و اعتصابهای آنها عمدتا بر علیه قطعه کاری و اعتراض برای اخراج رفقای کارگر خود که اغلب از فعالین اتحادیه ای بودند، بوده است.

و اما در مذاکرات اخیر برای قرار داد سال ۹۳ تا ۱۹۹۵، دور اول این مذاکرات در اواخر ماه مارس به پایان رسید. هنگامیکه کارگران خبرداد شدند که توافقنامه ای با اتحادیه

بنا بر سنتهای جنبش کارگری در دانمارک هر ۲ سال یکبار اتحادیه کارفرمایان دانمارک قراردادهای دستجمعی با اتحادیه های مختلف کارگری انعقاد کرده و بدینوسیله شرایط کار، نحوه افزایش دستمزد، ساعات کار و . . . را برای ۲ سال آینده تعیین میکند. سال ۹۳ نیز سال تجدید قرارداد بین کارگران و کارفرمایان بود. اتحادیه کارگران کشتارگاه در دانمارک یکی از اتحادیه های رادیکال بوده و سابقه مبارزه طولانی علیه فشارها و تضيیقات کارفرمایان دارد. از جمله این حرکات اعتراضی میتوان از اعتصاب کارگران یکی از کشتارگاههای بزرگ دانمارک بمنظور جلوگیری از اخراج ۴ کارگر - پناهنده تامیل سریلانکائی نام برد که منجر به بازگشت مجدد ۴ رفیق خود به کار گشته و در ضمن در این دورانی که پناهندگان و مهاجرین مورد حمله دستجات فاشیستی و نژاد پرست قرار میگیرند جلوه بارزی از وحدت بین المللی کارگران جهان را به نمایش گذاشتند. اما خبر اصلی مربوط به اعتصابات اخیر آنان در رابطه با قراردادهای دستجمعی سال ۹۳ بود.

خواسته محوری کارگران در این دور مذاکرات لغو «ساعات کار انعطاف پذیر» بود. در سال ۹۱ اتحادیه کارفرمایان موفق شده بود که این شیوه کار را به کارگران اغلب کشتارگاههای خصوصی تحمیل کند. بر اساس این شیوه کار، کارگران ۴ روز در هفته کار کرده و در بعضی شرایط ساعات کار هفتگی به ۴۰ ساعت در هفته میرسید. هر چند اتحادیه کارگران به این شرط کارفرمایان رای منفی داده بودند ولی به دلیل شرایط ویژه قوانین کارگری در دانمارک که در مقاله ای دیگر مفصل تر راجع به آنها توضیح خواهم داد (تحمیل این خواسته به اتحادیه های کارگری میسر گشت. کارگران کشتارگاههای مختلف به نشان اعتراض دست به اعتصاب زده و یکی از نمایندگان کارگران در یکی از دامداری - کشتارگاههای بزرگ گفته بود: «نمایندگان منتخب کارگران که در جلسات مذاکره با اتحادیه کارفرمایان شرکت داشتند از مسئولیتهای خود پا فراتر گذاشته و برخلاف تصمیم نمایندگان کارگران در آخرین کنگره اتحادیه های کارگری برای ۳۵ ساعت کار در هفته، ساعات کار را به ۴۰ ساعت در هفته رسانده و جزو شرایط قرارداد گنجانده اند».

در طول ۲ سال گذشته کارفرمایان با استفاده از این شیوه کار فشار طاقت فرسایی را به کارگران وارد آورده و برغم اعتصابات و اعتراضات کارگران، ۴ روز کار در هفته را با ساعات کار متغیر به آنان تحمیل نمودند. بهمین دلیل نیز یکی از

توافق نیز با رای ۹۴/۴ درصد اعضای اتحادیه به تصویب رسید. به این ترتیب اعتصابات کارگران کشتارگاههای دانمارک یکبار دیگر نشان داد که طبقه کارگر هیچ سلاح دیگری در مقابل اجحافات و فشارهای روز افزون سرمایه داران نداشته و برخلاف رهبران سازشکار اتحادیه ها این تنها راه حصول به خواسته های کارگران است.

اما در مورد شیوه هایی که اتحادیه کارفرماها در این ۴ دور مذاکرات پیش بردند بد نیست بدانیم که بر اساس قوانین مصوب دانمارک از اوایل این قرن ارگانی برای کنترل مذاکرات نمایندگان کارگران و کارفرماها تشکیل شده و دولتی است. این موسسه «موسسه میانجی گری» نامیده میشود و باز بر اساس همین قوانین در صورت بن بست مذاکرات بین نمایندگان فروشندگان و خریداران نیروی کار، پیشنهادات این موسسه به تصویب پارلمان رسیده و بصورت قانون در آمده و در آنصورت اجرای آن برای طرفین الزامی خواهد بود. در این مذاکرات نیز اتحادیه کارفرماها تلاش داشت تا به نوعی این مذاکرات را به بن بست کشانده و با باز کردن پای دولت در این مذاکرات به خواسته های خود برسد. در دور دوم نماینده کارفرماها تهدید به تعطیلی کشتارگاهها کرده بود (LOCK-OUT) و به این ترتیب تصمیم داشت که دولت را تحت فشار قرار دهد. از سوی دیگر دخالت دولت نیز بسیار زیرکانه صورت گرفته و همیشه نتایج رای گیری اتحادیه ها را مدنظر دارند. مثلا در سال ۱۹۸۱ که به توافقات دور دوم مذاکرات تنها ۵۳ درصد کارگران رای منفی داده بودند، بنابراین دولت میدانست که در صورت دخالت با اکثریت عظیمی مواجه نخواهد بود ولی در مذاکرات امسال با رای منفی ۸۲/۵ درصد اعضای اتحادیه ها، دولت ترجیح داد که پای خود را از این معرکه کنار بکشد، ولی همچنان که گفته شد کارگران کشتارگاهها در این مبارزه به پیروزی رسیده و علاوه بر لغو شرایط سال ۹۱ امکان کنترل برنامه ریزی هفتگی کارفرما را نیز به دست آوردند.

با امید به پیروزی کارگران جهان
حمید - ۱۵ ماه ژوئیه - کپنهاک

کارفرماها بر اساس ۴ روز کار در هفته در مقابل پرداخت دستمزدی بیشتر به تصویب رسید، موج اعتصابات آغاز گشت و در عرض چند روز ۴۰۰۰ کارگر کشتارگاههای دانمارک دست از کار کشیده و اعتراض خود را بصورت اعتصاب به نمایش گذاشتند. با اینکه یکی از نمایندگان کارفرماها با لحنی تحقیرآمیز اظهار داشته بود که: «اعتصاب در دوران مذاکرات قراردادهای دستجمعی یکی از احمقانه ترین عکس العملهای کارگران میتواند باشد» ولی در توافقات دور دوم مذاکرات ۴ روز کار در هفته از میان شروط کارفرماها حذف شده بود...!! در مقابل اتحادیه کارفرماها برای حذف ۴ روز کار در هفته شرط ساعات کار هفتگی در بعضی شرایط تا ۴۲/۵ ساعت را خواستار بود. رهبر اتحادیه کارگران کشتارگاهها این پیشنهاد کارفرمایان را «نتیجه مطلوب که در شرایط فعلی میشد به آن دست یافت» خواند.

به همراه ۷۰ درصد از نمایندگان کارگران خواستار تصویب آن از سوی اعضای اتحادیه شده بود. در مقابل پاسخ کارگران این بود که این «انتخاب بین طاعون و وبا است» (اصطلاحی که معادل فارسی آن همان (انتخاب بین بد و بدتر است) و به این ترتیب ۱۲۴۲۵ نفر از اعضای اتحادیه به توافقات این دور از مذاکرات رای منفی دادند. درصد کارگرانی که به توافقات دور دوم مذاکرات رای منفی داده بودند ۸۰/۲۵ درصد بوده و به همین دلیل دور جدید اعتصابات با شرکت ۱۶۰۰۰ کارگر کشتارگاهها در ماه آوریل آغاز گشت. توافق جدیدی بعد از ۱۰ روز اعتصاب بین نمایندگان کارگران و کارفرماها حاصل شد که بر اساس آن ساعات کار هفتگی نسبت به دور دوم مذاکرات به ۴۰ ساعت کاهش پیدا کرده و کارگران نه حق و تر بلکه حق اعتراض در مورد پیشنهادات کارفرما برای افزایش ساعات کار در مقاطع معینی را بدست آوردند. اما این توافقات نیز مطالبات کارگران را پاسخ نگفته و مجدداً علیرغم پاسخ مثبت رهبران اتحادیه ۸۲/۵ درصد از کارگران عضو اتحادیه به توافق دور سوم رای منفی دادند. بالاخره یک روز بعد از مخالفت اکثریت قریب به اتفاق اعضای اتحادیه کارفرماها تسلیم گشته و در دور ۴ توافقات تمام خواسته های کارگران را پذیرفته و این

نشانیهای پستی انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی

انگلستان

IRANIN REFUGEE WORKERS
ASSOCIATION
C/O 12/14 Thornton Street
London SW 9 OBL
Tel: 071-7335135/5670
England

سوئد

Bahar
P.R
S 4256
Göteborg
Sweden

کانادا

P.O.Box 622-STNB
OTTAWA-ONT
KIP-5P7
CANADA

آلمان

Verein der iranischen
Arbeiteremigranten
U.Flüchtlinge e.V
Am Judenkirchhof 11 C
30167 Hannover
Germany

هلند

Weena 745
3013 AL Rotterdam
HOLLAND

گوشه هائی از مبارزات طبقه کارگر در دانمارک

خواست اتحادیه کارفرمایان :

- لغو تنظیم دستمزدها متناسب با نرخ تورم (که تاکنون بصورت اتوماتیک انجام میگرفت) .

- عدم افزایش دستمزدها و یا منجمد کردن دستمزدها در طی ۲ سال آینده .

خواست کارگران :

- پرداخت حقوق در دوره بیماری

- افزایش دستمزدها در دوره ۲ ساله آینده

- کاهش ساعت کار از ۴۸ به ۴۴ ساعت در هفته

با به بن بست رسیدن مذاکرات (علیرغم اظهارات نخست

وزیر سوسیال دمکرات دانمارک مبنی بر اینکه وظیفه اقتصاد

دانمارک در شرایط فعلی جلوگیری از افزایش دستمزدها برای

جلوگیری از افزایش هزینه تولید است) ۵۳۰۰۰ نفر از کارگران

دست به اعتصاب زدند. همزمان با آغاز این حرکت اعتصابی موسسه

میانجیگری (موسسه دولتی برای کنترل توافقنامه های مختلف بین

طبقه کارگر و سرمایه داران که در واقع وظیفه کنترل و تنظیم

مبارزه طبقاتی را بعهده دارد) نیز تلاش خود را برای تنظیم

توافقنامه ای که مورد تایید طرفین باشد آغاز نمود. در ۳ آوریل

طرح پیشنهادی این موسسه که در واقع مستقیماً از روی طرح

پیشنهادی اتحادیه کارفرمایان تنظیم شده بود، به دو طرف ابلاغ

شد. در ۹ روز آینده باید اتحادیه های کارگری در مورد قبول یا

رد این طرح پیشنهادی تصمیم میگرفتند.

طبقه کارگر دانمارک نیز همچون دیگر هم زنجیران خود در سراسر جهان برای اعتراض در مقابل اجحافات طبقه سرمایه دار و بدست آوردن خواسته های برحق خود راه دیگری جز اعتصاب نداشته که این نیز برخاسته از منطق مبارزه دو طبقه کارگر و سرمایه دار در جوامع سرمایه داری است و بنا به حکم شرایط عینی ، اعتصاب تنها سلاح مبارزاتی طبقه کارگر بوده و با استفاده از همین سلاح نیز وی موفق گردیده که در موارد مختلف طبقه سرمایه دار را به عقب نشینی واداشته و خواسته های خود را به اینان تحمیل نماید.

در چند دهه اخیر دانمارک نیز - همچون دیگر جوامع سرمایه داری - شاهد قدرت نمائی این دو طبقه اصلی جامعه بوده است که خود را به صورت حرکت های وسیع و گسترده اعتصابی کارگران و تلاش های طبقه سرمایه دار و کارگزاران آنها در درون طبقه کارگر برای به شکست کشاندن این حرکتها، نشان داده است .

در سطور زیر به ذکر سه نمونه از این حرکات اعتراضی که تأثیرات عمیقی در فضای سیاسی جامعه داشته خواهیم پرداخت :

اعتصابات وسیع کارگری در سال ۱۹۵۶

بر اساس توافقات حاصله بین اتحادیه های کارگری و اتحادیه کارفرمایان در سال ۱۸۹۹ ، هر ۲ سال یکبار قراردادهای دستجمعی بین اتحادیه های کارگری و اتحادیه کارفرمایان منعقد میگردد که برای مدت ۲ سال شرایط کار، دستمزد و دیگر شرایط مربوط به فروش نیروی کار را تنظیم میکنند. در طول ۲ سال طرفین موظف به رعایت قوانین موارد مورد توافق بوده و در واقع حق اعتراض و اعتصاب در این مدت از طبقه کارگر سلب شده و فقط در زمان به پایان رسیدن توافق ۲ ساله و انعقاد قرارداد جدید است که کارگران بر اساس خواسته های خود و تحقق و یا عدم تحقق آنها میتوانند و یا «حق» دارند تا نظرات و خواسته های خود را به زور اعتصاب به کرسی بنشانند.

سال ۱۹۵۶ نیز سال تجدید قراردادهای دستجمعی بین کارگران و سرمایه داران بود. خواسته های دوطرف به شرح زیر بود:

در طول این ۹ روز عواملی چند به رایکالیزه شدن این حرکت اعتصابی یاری رساند. از جمله اینکه به دلیل اعتصاب عمومی هیچ روزنامه ای منتشر نمیشد و در نتیجه با پیشنهاد دولت قرار بر این شد که رادیوی دانمارک وظیفه پیشبرد تبلیغ حول رای گیری این طرح پیشنهادی را بعهده بگیرد. در حالیکه دولت ، اتحادیه کارفرمایان و اشرافیت کارگری از طریق رادیو تلاش داشتند که کارگران را تشویق به پذیرش این طرح پیشنهادی نمایند، در مقابل نمایندگان کارگران - که در آنزمان اکثراً از اعضای حزب کمونیست دانمارک (احزاب برادر) بودند- با استفاده از این تریبون که خیلی وسیع تر از روزنامه صدای آنها را به گوش کارگران میرساند، توانستند مقاصد سرمایه داران را به گوش کارگران برسانند. از دیگر عواملی که باعث افزایش خشم و نفرت کارگران گردید استفاده کارفرمایان در بخش مواد نفتی بود که برای حمل و نقل مواد نفتی از عده ای اعتصاب شکن استفاده کرده بودند. در خود اتحادیه های کارگری علیرغم میل باطنی و تلاش رهبران سوسیال دمکرات ، جواب کارگران یکپارچه

دمکرات ، دولت محافظه کار با ائتلاف ۲ حزب بورژوائی قدرت دولتی را در دست گرفت . دولت جدید به زودی یعنی در ماه مه ۱۹۷۴ به رودروئی با جنبش کارگری کشیده شد . دولت در این سال برای جلوگیری از افزایش هزینه های خود تصمیم به حمله به دستمزدهای کارگران گرفته و این تصمیم خود را بصورت وضع عوارض مختلف عملی نمود . این اقدامات که باید مبلغ ۵۰۰ میلیون کرون به صندوق دولت می ریخت عکس العمل گسترده اعتصابی کارگران را در پی داشت .

درست همان روزی که دولت این تصمیم خود را در پارلمان به بحث گذاشت ، ۵۰۰۰۰۰ نفر به علامت اعتراض دست به اعتصاب زدند . این اعتصابات از کارخانه های کشتی سازی آغاز گشته و به سرعت به تمام بنگاههای دیگر گسترش یافت . ابتکار عمل نیز در این حرکت نمایندگان سوسیال دمکرات کارگران بودند که بنا به پیشنهاد ایشان این حرکت آغاز شده بود . دلیل این کار نیز این بود که گروه پارلمانی حزب سوسیال دمکرات بمنظور تصویب این پیشنهاد به پای میز مذاکره رفته بودند و فعالین کارگری و بدنه این حزب عامل فشاری می خواستند که گروه پارلمانی را از این مذاکرات دور کنند که به این وسیله موفق نیز شدند .

علیرغم توقف مذاکرات با گروه پارلمانی حزب سوسیال دمکرات ، کارگران به این حرکت اعتصابی ادامه داده و تعداد بیشتری نیز به این حرکت پیوستند . روز ۱۳ مه قریب ۱۵۰۰۰۰ نفر دست به اعتصاب زده و ۱۰۰۰۰۰ نفر به تظاهرات مقابل پارلمان پیوستند . روز ۱۵ مه اعتصاب با شرکت قریب ۲۵۰۰۰۰ نفر به نقطه اوج خود رسید .

این اعتصاب یک هفته ادامه داشته و برای دولت کاملا مشخص بود که امکان تصویب این قانون وجود ندارد . و اما در آغاز این حرکت اعتصابی رهبران اتحادیه مرکزی کارگران (شورائی مرکب از تمام اتحادیه های کارگری که به زبان دانمارکی به آن LO بمعنی LANDS ORGANIZATION گفته میشود) آنرا ناشی از « تاثیرات تبلیغات کمونیستی » دانسته ، اما زمانیکه تعداد اعتصابیون به بیش از ۲۵۰۰۰۰ نفر افزایش یافت ، این رهبران پذیرفتند که « این تعداد کمونیست در دانمارک نمیتواند وجود داشته باشد » ! رهبری اتحادیه مرکزی اکنون امکان این را می دید که خواست برکناری دولت محافظه کار و انتخاب نخست وزیری سوسیال دمکرات را مطرح کند . با توجه به رادیکالیزه شدن جو سیاسی رهبری اتحادیه مرکزی اعلام کرد که حاضر به پیشبرد مذاکرات قراردادهای دستجمعی تا زمانی که دولت در دست

ن بود . پاسخ نه به این پیشنهاد با اکثریت تقریب به اتفاق آراء علیرغم قوانین غیر دمکراتیک در ساختار اتحادیه ها در هنگام رای گیری عمومی بین اعضاء - نشان داد که کارگران پیشنهاد کارفرمایان را رد کرده و آماده آغاز حرکت اعتصابی وسیعی هستند .

عکس العمل دولت در مقابل پاسخ منفی کارگران تبدیل این طرح پیشنهادی به لایحه قانونی بود که در اینصورت هم موظف به رعایت آن بودند . کارگران به فوریت در مقابل این حرکت دولت دست به یک حرکت اعتصابی وسیعی زده و روز ۱۳ آوریل ۲۰۰۰۰۰ نفر از کارگران دانمارک به نشانه اعتراض در مقابل پارلمان دانمارک به تظاهرات پرداختند . علیرغم خواسته کارگران در این گردهم آتی مبنی بر اعلام اعتصاب عمومی تا حصول خواسته های اینان ، رهبران کارگران موفق شدند که تصمیم گیری در مورد ادامه اعتصاب را به عهده شورای نمایندگان کارگران - که تحت نفوذ حزب کمونیست دانمارک بود - بگذارند . این شورا نیز در اولین جلسه خود خواست اعلام اعتصاب عمومی از سوی کارگران را رد کرده و خواهان حذف شعارهای اعتصاب عمومی در تظاهرات آینده شدند . در مقابل شعار اعتصاب عمومی رهبران کارگران - به تبعیت از سیاست حزب کمونیست دانمارک - شعار قراردادهای مجزا را برای اتحادیه های مختلف با توجه به شرایط محلی داده و به این ترتیب این جنبش وسیع اعتصابی را به سازش با کارفرمایان سوق دادند .

در مورد دلیل این حرکت باید گفت که رهبران حزب کمونیست از این حرکت کارگران وسیله ای برای نزدیکی خود به حزب سوسیال دمکرات - که در قدرت دولتی بود - ساخته و به این دلیل مجبور به پشت کردن به خواسته های کارگران شدند . در آن هنگام حزب سیاسی دیگری که در درون طبقه کارگر نفوذ داشته تا بتواند جلوی این حرکت را بگیرد وجود نداشت ، بنابراین بجای استفاده از این حرکت وسیع در جهت عقب نشاندن دولت و تحمیل خواسته های کارگران به کارفرمایان از ثمرات سیاسی این حرکت برای نزدیکی به سوسیال دمکراتها به امید کسب پست وزارت و صدارت در کابینه استفاده شده و در نتیجه این حرکت به نتایج چندانی برای طبقه کارگر نرسید .

اعتصابات ماه مه ۱۹۷۴

زمانی که طبقه کارگر باعث سقوط کابینه دولت شد

بعد از انتخابات سال ۱۹۷۳ و کنار رفتن دولت سوسیال

احزاب بورژوائی بوده نیست و خواستار تشکیل دولت سوسیال دمکرات گردید.

در ماه اکتبر همان سال مجدداً حرکات اعتصابی وسیعی آغاز گردید. دلیل این حرکات نیز اخراج و معرفی رهبران حرکت اعتصابی ماه مه به دادگاه ویژه قانون کار از سوی کارفرمایان بود. این حرکت اعتراضی باعث عقب نشینی اتحادیه کارفرمایان و اتحادیه مرکزی گشته و این دو توافق کردند که حرکات اعتصابی ماه مه و اکتبر را بعنوان زیر پا گذاردن توافقات قراردادهای دستجمعی به حساب نیاورند. در اینصورت مسئله دادگاه نیز منتفی میشد و برای اولین بار در تاریخ معاصر جنبش طبقه کارگر طبقه سرمایه دار را از استفاده از دادگاه ویژه خود برحذر داشت. این پیروزی عظیمی برای طبقه کارگر محسوب گشته و با توجه به توازن قوای جدید و پتانسیل جنبش کارگری برای حرکت‌های آتی، دولت بورژوائی دانمارک ترجیح داد که از قدرت سیاسی چشم پوشیده و استعفاي خود را تقدیم مجلس کند. این حرکت بعد از آخرین حرکت اعتصابی کارگران در ماه نوامبر همانسال بود که بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر کارگرمعترض به سیاستهای دولت دست از کار کشیده و به نشانه اعتراض مقابل پارلمان دست به تظاهرات زدند.

طبقه کارگر نه تنها کارفرماها را وادار نمود که از خیر استفاده از دادگاه ویژه کار علیه کارگران بگذرند، بلکه دولت بورژوائی دانمارک را نیز به زانو در آورده و از قدرت سیاسی به زیر کشید.

اعتصابات آوریل ۱۹۸۵

در انتخابات سال ۱۹۸۰ دولت سوسیال دمکرات مجبور به ترک قدرت و ائتلافی از ۴ حزب بورژوائی به رهبری حزب محافظه کار زمام قدرت را به دست گرفته بود. بعد از ۵ سال حکومت و افزایش اعتماد به نفس دولت، تلاشهایی برای کنار گذاشتن رهبران اتحادیه مرکزی کارگران از فضای سیاسی و تصمیم گیریهای دولتی آغاز گشت و رهبران این اتحادیه - بنخوان بوروکراتهای کارگری - ناراضیاتی خود را در شروطی که کارگران برای قرارداد دستجمعی همان سال تدارک دیده بودند، نشان دادند. خواسته های کارگران عبارت بود از :

- ۱۰ درصد افزایش دستمزد در طول ۲ سال قرارداد به صورت هر سال ۵ درصد .

- کاهش ساعات کار به ۳۵ ساعت در هفته

با وجود این شروط که در واقع عکس العملی در مقابل

یورش دولت به دستاوردهای جنبش کارگری بود، مذاکرات بزودی به بن بست رسیده و اعتصابات با شرکت ۲۰۰۰۰۰ نفر آغاز گشت .

بعد از سه روز، دولت لایحه ایی را بمنظور تصویب به پارلمان ارائه نمود. در این لایحه دولت توافقنامه ایی را برای مذاکرات اتحادیه کارفرمایان و کارگران بصورت زیر تنظیم نموده بود:

- ۲ درصد افزایش دستمزد در طول مدت قرارداد بصورت سالیانه ۱ درصد.

- کاهش ۱ ساعت از کار هفتگی .

این شروط که دقیقاً همان شروط کارفرماها بود باعث خشم بیشتر کارگران گردید. کارگران دیگر فرصت را از دست نداده و به فوریت دست به کار شدند. برای جلوگیری از مذاکره مجلس حول این پیشنهاد تمام راهها و پلهائی که به پارلمان ختم میشد توسط کارگران مسدود شد. این آغازی بود برای یک حرکت اعتصابی که با گذشت یک روز تمام کارگران دانمارک را در بر گرفت . روز اول آوریل هنگامیکه لایحه پیشنهادی دولت به رای گذاشته میشد، ۶۰۰۰۰۰ نفر در حال اعتصاب بودند.

رهبران سازشکار و بوروکرات کارگران از این حرکت اعتراضی تنها قصد داشتند به دولت بفهمانند که حرکت بدون حضور اینها و سهم بردن اینان از مزایا غیر ممکن خواهد بود. ولی هیچیک از طرفین تصور نمیکرد که این حرکت باعث گسترش اعتصابی با حضور صدها هزار نفر از کارگران گردد. این رهبران اصلاً تصور نمیکردند که کنترل این حرکت اعتصابی از دست آنان خارج گردد. این حرکت اعتصابی علیرغم مخالفت رهبران به سرعت گسترش مییافت . اکنون دیگر شورای نمایندگان کارگران بود که در شهرهای مختلف زمام امور را به دست گرفته بود. در کپنهاک این جلسات با حضور ۴۰۰۰ تا ۶۰۰۰ نفر برگزار میشد و در دو شهر بزرگ دیگر تعداد شرکت کنندگان به ترتیب ۲۰۰۰ نفر و ۵۰۰ نفر بودند. مدارس تعطیل گشته ، حمل و نقل شهری متوقف شده ، ادارات پست تعطیل و صفحه تلویزیون سیاه بود و از رادیو تنها موسیقی پخش میشد. دانمارک کاملاً در دست اعتصابیون بود. راه بندانها، تحویل کالاهای مورد نیاز مردم و کمک به سالمندان در منازل خود و دیگر خدمات ضروری شهری از سوی کمیته های اعتصاب سازماندهی شده بود و در این مورد شورای نمایندگان از رادیوهای محلی استفاده میکردند. بنظر میرسید که این حرکت اعتصابی به پیروزی محتوم خود نزدیک میگردد.

اما به دلایل مختلف این حرکت وسیع و گسترده نیز نتوانست به تمام اهداف طبقه کارگر جامه عمل بپوشاند. از جمله

فدائی خلق ایران (اقلیت)، سازمان فدائی-ایران، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) خوانده شد.
ودر پایان قطعنامه‌ای ۵ ماده‌ای بهمین مناسبت قرائت شد که مورد تأیید جمع قرار گرفت.

تلاش جهت جلب حمایت اتحادیه‌ها و سازمانهای سیاسی سوئد

تعدادی از کارگران ایرانی مقیم سوئد با تنظیم یک بیانیه در باره بی حقوقی هایی که علیه طبقه کارگر ایران روا میشود، آنرا برای فدراسیون اتحادیه های سوئد (LO) و سازمانهای سیاسی چپ این کشور ارسال نموده و از آنها خواسته اند « . . . در جهت محکومیت جمهوری اسلامی و پشتیبانی از خواسته ها و مطالبات جنبش کارگری در ایران » اقدام نمایند.
این رفقا هم چنین حمایت و پشتیبانی تعدادی از کارگران سوئدی و دیگر ملیتها را از این بیانیه جلب نموده اند.

مراسم پنجمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی درلندن بدعوت تعدادی از خانواده شهدا و شاعران و نویسندگان مجلس یادبودی به مناسبت پنجمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در ایران، برگزار گردید.

و احدانجمن در انگلستان ضمن شرکت در این مراسم، پیام خود را در جمع خواندند و متن فارسی و انگلیسی آنرا توزیع کردند (متن پیام در این شماره آمده است).

برنامه باشعرخوانی دکتر برلیان شروع و گزارشی از وضع زندان اوین در سال ۶۲ با اطلاع شرکت کنندگان رسید.

سپس پیام، حزب کارگران سوسیالیست انگلستان، حزب کمونیست بریتانیا، حزب کمونیست ترکیه، و "ایپاک" خوانده شد.

پس از پیام سازمانهای خارجی، آقای اسماعیل خوئی یکی از اشعار خود را که بزبان انگلیسی سروده بودند قرائت و سپس چند شعر بزبان

فارسی خواندند که مورد استقبال جمع قرار گرفت.
آنگاه اطلاعیه مشترك، حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان چریکهای

نامه اعتراضی انجمن به سفارت ژاپن

کارگران مهاجر مقیم ژاپن، خواستار تامین امنیت شغلی، حق کار و اعاده حقوق پایمال شده آنان گردید.

رونوشت این اعتراض نامه به کمیسیون حقوق بشر در اروپا، سازمان ملل در نیویورک، سازمان عفو بین الملل و صلیب سرخ بین المللی نیز ارسال شده است.

علیه این اقدام ضد کارگری مقامات ژاپنی، انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی - واحد هانوفر، نامه اعتراض آمیزی به سفارت ژاپن در آلمان ارسال نمود. در این نامه انجمن با محکوم نمودن رفتار غیر انسانی مقامات و کارفرمایان ژاپن نسبت به

بنا به اخبار رسیده، مقامات دولت ژاپن، تعداد زیادی از کارگران مهاجر و از جمله کارگران مهاجر ایرانی را دستگیر نموده، مورد ضرب و شتم قرار داده و بدون پرداخت دستمزد به زور آنها را از خاک ژاپن اخراج نموده است.

پاک متوقف شد، ولی این بمعنی شکست جنبش کارگری نبود، چرا که در قرارداد دستجمعی سال ۱۹۸۷ سرمایه داران، که هنوز ابعاد حرکت کارگران در سال ۸۵ را به خاطر داشتند، به عقب نشینی واداشته و بخشی از مطالبات کارگران را بر راحتی پذیرفتند.

قدرتی که طبقه کارگر در اعتصابات این سال از خود نشان داد می توانست به سادگی باعث تغییر دولت و تغییرات رادیکال دیگری در قوانین کار بنفع کارگران گردد و بویژه امکانات دولت در امر دخالت و کنترل مبارزه طبقاتی را به نحو چشم گیری محدود یا به کل از بین ببرد. در نهایت اعتصابات ماه آوریل ۱۹۸۵ جلوه دیگری از قدرت عظیم طبقه کارگر در برپائی جامعه سوسیالیستی را به نمایش گذارد.

ح - کپنهاک

۹۳ ژوئیه ۶۰

اینکه به دلیل تعطیلات عید پاک که روز سوم اعتصاب بود، بدلیل تعطیلی کارخانجات ارتباط بین کارگران قطع شده و در نتیجه امکان تصمیم گیری جمعی برای گامهای بعدی حرکت وجود نداشت. از سوی دیگر رهبران کارگری که از اعضاء حزب کمونیست دانمارک بودند، تلاش خود را برای این منظور معطوف داشتند که مذاکرات بین اتحادیه کارفرمایان و کارگران را از حالت تمرکز خارج ساخته و قراردادهای بر حسب شرایط محلی و مختلف بین طرفین انعقاد گردد. هر چند کارگران زیادی بودند که شعار اعتصاب عمومی را مطرح کرده و خواستار ادامه این حرکت بصورت متمرکز بودند، اما بر حسب سیاست حزب کمونیست دانمارک این حرکت اعتصابی به شکست کشانیده شد. شکل کارگران همچون سال ۱۹۵۶ این بود که حزب دیگری که در میان کارگران نفوذ داشته و بتواند سیاستهای رادیکال چپ تری از دو حزب سوسیال دمکرات و کمونیست اتخاذ کند وجود نداشت.

هر چند این حرکت اعتصابی بعد از تعطیلات عید

وحدت سه اتحادیه و اعلام موجودیت اتحادیه همصدا در انگلستان

اعضاء ، اعتصاب سراسری برای افزایش مزد بر پا نمود و بر دولت انگلستان پیروز گردید. این اتحادیه علیرغم کوششهای فراکسیون راست و محافظه کار در آن ، غالباً موضعی مترقی داشته و سابقه خوبی در همبستگی بین المللی با کارگران و تشکلهایشان در کشورهای دیگر دارد. اکنون تعداد اعضای این اتحادیه هفتصد هزار نفر می باشد.

۳- کنفدراسیون مستخدمین خدمات بهداشتی (COHSE) در سالهای دهه ۱۹۴۰ بر پایه مبارزات پرستاران و کارکنان و کارگران تیمارستانها برای مزد بهتر ، ایمنی محیط کار و شرایط بهتر کار شکل گرفت . اتحادیه مزبور در سال ۱۹۴۶ ، پس از ادغام دو اتحادیه انجمن سراسری کارگران تیمارستانها و اتحادیه خدمات بیمارستانی و رفاه ، بوجود آمد. سابقه مبارزاتی آن با شکل گیری آن همراه بوده است و در حال حاضر دویست و پنجاه هزار نفر عضو دارد.

لزوم اتحاد و تشکل

در شرایط کنونی که رژیم سرمایه داری انگلستان با انحطاط مطلق نظام سرمایه داری دست به گریبان است ، با تاکتیک تکه تکه کردن بخش خدمات عمومی ، خصوصی کردن حراج قسمتهای مختلف ، سعی در کاهش دستمزدها ، بدتر کردن شرایط کار و در یک کلام هر چه بیشتر باز پس گرفتن حقوقی دارد که کارگران طی دهها سال مبارزه متشکل بدست آورده اند. تاکتیک مزبور فقط مختص بخش خدمات عمومی نمی باشد ، بلکه مهمتر از آن در طول ۱۴ سال گذشته در بخش صنایع به اجرا گذاشته شده است . مهمترین هدف رژیم سرمایه داری انگلستان برهبری خط تاچریسم ، خرد کردن تشکلات توده ای کارگران ، یعنی اتحادیه ها بوده است . برای رسیدن به این هدف استراتژیک رژیم به انواع حيله ها و رشوه ها و وضع قوانین ارتجاعی تر ضد تشکلات کارگری و اتحادیه ها پرداخته است . اما محور حمله رژیم منحن سرمایه داری انگلستان از بین بردن پایگاه طبقاتی کارگران یعنی بستن ، تخریب و حراج کارخانجات ، خصوصی کردن موسسات خدمات عمومی ، محیط های کار ، مجتمع های صنعتی و اخراجهای دستجمعی کارگران بوده تا بدین وسیله با بی تشکل کردنشان آنها را به زانو در آورد. پر واضح است که با از بین بردن صنایع ، رژیم سرمایه داری احتیاجی به خدمات و رفاه عمومی برای کارگران ندارد.

اول ماه ژوئیه ۱۹۹۳ مصادف است با روز رسمی شدن اتحادیه همصدا (UNISON). این اتحادیه با بیش از یک میلیون و چهارصد هزار نفر عضو ، بزرگترین اتحادیه در بریتانیا و یکی از بزرگترین اتحادیه های اروپا خواهد بود. اتحادیه همصدا کارگران و کارکنان خدمات عمومی (شهرداری ، بهداشتی ، آب و برق و گاز و غیره) را متشکل می کند. بیش از یک میلیون نفر از اعضای اتحادیه ، کارگران و کارکنان زن هستند. ۷۵۰ هزار تن از اعضای اتحادیه بشکل نیمه وقت در استخدام هستند. تعداد اعضای زن در کمیته های مختلف ، از جمله کمیته اجرایی سراسری نشانه تناسب اعضای آنست . نمایندگی به نسبت ، یکی از اصول تشکیلاتی این اتحادیه است . یک سوم کرسی های کمیته اجرایی سراسری به کارگران نیمه وقت کم مزد ، بصورت تضمین شده اختصاص داده شده است .

این اتحادیه بزرگ از وحدت سه اتحادیه موجودیت می یابد. اکنون به اختصار شرحی در مورد هر یک از سه جزء اتحادیه همصدا می دهیم :

۱- اتحادیه سراسری خدمات عمومی (NUPE) در اواخر قرن نوزدهم بوسیله کارگران شهرداری تاسیس گردید و سپس کارگران ، کارکنان و پرستاران بهداشتی و آب و برق را نیز در بر گرفت . پس از تاسیس کنگره اتحادیه های کارگری - صنفی انگلستان (TUC) به آن ملحق گردید. این اتحادیه سابقه مبارزاتی پیگیر داشته و اتحادیه ای مترقی است . یکی از مفاد اساسنامه آن الفاء مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و موسسات خدماتی می باشد. از مفاد دیگر اساسنامه اش مرکزیت دمکراتیک است . در طول تاریخ حیات این اتحادیه ، دائماً نوک تیز حملات دولت انگلستان متوجه آن بوده است . در حال حاضر اتحادیه NUPE چهار صد و هفتاد هزار عضو دارد.

۲- انجمن سراسری کارکنان دولت محلی و ملی شهرداری - (NALGO) در اوائل قرن بیستم تاسیس گردید پس از مدتی کوتاه کارکنان آب ، برق ، گاز و بهداشتی به انجمن کارکنان شهرداریها ملحق گردیدند. در دهه ۱۹۶۰ این انجمن بعنوان اتحادیه به کنگره اتحادیه های کارگری - صنفی انگلستان (TUC) پیوست . این اتحادیه مدتها به اعتصاب اعتقاد نداشت ، ولی کم کم لزوم آنرا درک کرده و پس از تعدادی اعتصابات محلی ، در سال ۱۹۸۹ برای اولین بار در تاریخش به رای اکثریت

علیه ترور و جنایت هولناک جمهوری اسلامی اعتراض کنیم!

در تاریخ ۲۸ ماه آگوست يك پناهنده سياسي ایرانی در ترکیه بدست آدمکشان حرفه ای جمهوری اسلامی ترور شد. در سحرگاه آنروز دو تن ملبس به اونیفورم پلیس ترکیه به خانه بهرام آزادفر در محله آلتونداغ آنکارا مراجعه کرده و سپس با اسلحه مجهز به صدا خفه کن او را بقتل می رسانند. قبل از وقوع این جنایت نیز تعدادی از پناهندگان مفقود شده بودند که در روز ششم سپتامبر جسد مثله شده یکی از آنان بنام محمد قادری در اطراف شهرستان قیر شهر ترکیه پیدا می شود.

بنا به اخبار رسیده از ترکیه محمد قادری قبل از به قتل رسیدنش بطور وحشیانه ای شکنجه شده و سپس نیز بطرز فجیعی بقتل رسیده است. پوست سر او کنده شده بود، انگشتان و گوشها و اعضای مختلف بدنش قطع یا بریده شده و سپس به کیسه پلاستیکی ریخته شده بود.

شکنجه و اعدام مخالفین در ایران و سرکوب و ترور آنان در خارج از ایران تاکنون یکی از ابزارهای بقاء رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بوده است. دول سرمایه داری کشورهای دیگر از یکسو با سیاست سکوت معنی دار در قبال اقدامات تروریستی آشکار رژیم و از سوی دیگر از طریق انعقاد قراردادهای مختلف سیاسی - اقتصادی و نظامی و یاری رساندن به ادامه حیات ننگین جمهوری اسلامی از سیاستها و اعمال غیر انسانی آن حمایت کرده و می کنند. UN ترکیه با بی توجهی به شرایط اخیر پناهندگان و تحركات مشکوک عوامل رژیم در میان آنان و همچنین نقض مکرر تعهدات بین المللی خود، زمینه چنین جنایاتی را فراهم کرده است.

نقش مشکوک دولت و پلیس ترکیه نیز در این میان بر کسی پوشیده نیست. بدیهی است که جمهوری اسلامی بدون این همگامی مدافعین سرمایه داری قادر به سازمان دادن این اقدامات جنایتکارانه در ترکیه و سراسر اروپا نخواهد بود.

انسانهای آزادیخواه، تشکلهای کارگری و نیروهای مترقی ما شما را فرا می خوانیم تا به هر شکل ممکن علیه اعمال ضد انسانی و جنایتکارانه جمهوری اسلامی اعتراض کنید.

انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی

۹۳/۹/۸

علیرغم تبلیغات گسترده دولت علیه این اتحاد، اتحادیه همصدا بر بستر احتیاج جنبش کارگری به اتحاد برای مقاومت در مقابل حملات همه جانبه رژیم و درک ضرورت آن شکل گرفته است. مبارزه بی امان اعضاء هر سه اتحادیه علیه کارشکنی و سنگ اندازیهای فراکسیون راست محافظه کار و فراکسیونهای ماوراء چپ تروتسکیست هر سه اتحادیه، که به بهانه های مختلف اما بصورت دو روی یک سکه مخالف این اتحاد بزرگ بودند، سرانجام، کنفرانسهای سراسری هر سه اتحادیه در سال ۱۹۹۲ به پیروزی منتهی شد. پس از چهار سال بحث، مبارزه ایدئولوژیک و سالها همکاریهای مبارزاتی، اعضاء هر سه اتحادیه، این اتحاد بزرگ قطعیت یافت. فراکسیون راست محافظه کار و فراکسیونهای ماوراء چپ تروتسکیست تمامی کوشش خود را برای جلوگیری از این اتحاد بکار بردند. حتی پس از تصویب اتحاد،

آنها تاکتیک خود را تغییر داده چه از بیرون و چه با ایجاد نفاق از درون سعی در تخریب آن دارند. اما اعضاء اتحادیه همصدا با هوشیاری و با استفاده از تجارب مبارزاتی این حيله ها را خنثی خواهند کرد.

تاسیس اتحادیه همصدا پایه ریزی اتحادیه های کارگری - صنفی جدیدی است که جنبش کارگری بریتانیا را به قرن جدید سوق می دهد. این اتحاد بزرگ از امکانات رژیم برای تفرقه اندازی مابین کارگران خدمات عمومی خواهد کاست.

سیامک

۲۷ ژوئن ۹۳ - ۶ تیر ماه ۱۳۷۲

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران سراسر جهان!

صورتجلسه هشتادمین کنفرانس « آی - ال - او » پیرامون شرایط کار در ایران و دوسند دیگر

رژیم جمهوری اسلامی از سال ۱۳۶۰ به این سو فعالیتهایی را در رابطه با سازمان بین المللی کار (آی - ال - او) آغاز کرده و هر ساله وابستگان خود را به عنوان «نمایندگان کارگران ایران» و همچنین هیئتهایی به نمایندگی کارفرمایان و دولت به کنفرانس جهانی کار اعزام می کند.

هیئت اعزامی جمهوری اسلامی ، امسال نیز در هشتادمین کنفرانس بین المللی کار که در ماه ژوئن ۱۹۹۳ در ژنو برگزار شد، شرکت کرد.

فعالین انجمن درهلندو آلمان ضمن تماس با اتحادیه های این دو کشور و نمایندگان آنها در کنفرانس اخیر «آی - ال - او» ، پیرامون صورتجلسه نشست امسال ، چگونگی استفاده آنها از اطلاعات و مدارکی که توسط انجمن در اختیار آنها قرار گرفته بود و موضع گیریهایی که در فرآیند کنفرانس نسبت به هیئت اعزامی جمهوری اسلامی شد، سئوالاتی نمودند. مسئولین اتحادیه های مذکور با توضیحاتی در باره این نشست ، متن صورتجلسه این کنفرانس را به همراه دو سند دیگر ، در اختیار انجمن قرار دادند.

این دو سند عبارتند از : الف - مطلبی زیر عنوان «اتحادیه های کارگری در ایران غیر قانونی شمرده می شوند.» این سند در گزارش سالیانه کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری آزاد (آی - سی - اف - تی - یو) پیرامون نقض حقوق اتحادیه های کارگری در سال ۱۹۹۳ به چاپ رسیده است. ب - نامه سردمداران خانه کارگر که با امضای دبیرکل آن ، خطاب به دبیرکل « آی - ال - او» و در واکنش به گزارش «آی - سی - اف - تی - یو» نوشته شده است .

لازم به توضیح است که نامه دبیر کل خانه کارگر توسط عناصر اعزامی رژیم در جلسه بین حاضرین پخش شده است .

برای اینکه خوانندگان گرامی دید ملموس تری از فضای کنفرانس اخیر بدست آورند، علاوه بر چاپ ترجمه صورتجلسه هشتادمین کنفرانس سازمان فوق پیرامون شرایط کار در ایران ، ترجمه دوسند مذکوررا نیز برای چاپ درآین

شماره آماده کرده ایم که به ترتیب از نظرآن خواهند گذشت

• • •

در ابتدا ترجمه متن صورتجلسه کنفرانس را به چاپ می رسانیم . هر چند این سند به هیچ وجه بیایا کننده بی حقوقی و موانع و محدودیت هایی که دولت در کارگری جمهوری اسلامی در مقابل کارگران ایجاد کرده است نمی باشد، اما در آن نسبت به صورتجلسات قبلی نکات مثبتی را می توان مشاهده کرد. از جمله این نکات می توان به موضع اعضای هیئت کارگری دو کشور هلند و آلمان در مقابل نماینده دولت ایران اشاره کرد. نماینده هلند ادعای نماینده دولت ایران ، مبنی بر رعایت و کاربست موازین جهانی کارگری را به زیر سؤال برد و نماینده آلمان نیز روی این موضع همکار هلندی خود تاکید نمود.

متن صورت جلسه هشتادمین کنفرانس
سازمان بین المللی کار در باره ایران:

«اظهارات نماینده دولت جمهوری اسلامی» (۱)

جمهوری اسلامی ایران (تصویب : ۱۹۶۴) . در ابتدا يك نماینده دولت (جمهوری اسلامی) توضیح داد که دولت متبوعش برای سازمان بین المللی کار (ILO) ، قوانین بین المللی کار و دستگاه نظارت اهمیت ویژه ای قائل است . نماینده فوق اولاد در رابطه باتبعیض مذهبی اعلام کردکه پیش بینی های قانونی در بخش دولتی اجازه هیچگونه تبعیضی را در استخدام نمی دهد. در هیچ موردی اخراج بخاطر اعتقاد مذهبی صورت نگرفته است و در صورت مشاهده طبق ماده ۱۱ قانون دادگاههای عدالت اداری می توان از آن شکایت کرد. در مورد بازنشستگی ، ماده ۷۶ قانون بیمه های اجتماعی و قانون بازنشستگی ۱۹۸۶ فقط سن و مدت خدمت را در نظر می گیرد و جایی برای تبعیض اعتقادی نمی گذارد. او گفت که پرونده ۱۰۱ نفر بهائی که حقوق بازنشستگی می گیرند می تواند مورد بررسی قرار گیرد. در مورد مساله اخراج ، پیش بینی های قانونی موجود هرگونه اخراج به علت مذهب ، جنس رنگ ، نژاد ، قومیت یا منشاء اجتماعی را ممنوع میکند و در قانون معیارهایی برای استخدام مجدد تحت نظر دادگاهها و

«اظهارات نمایندگان کارفرمایان آی . ال . او» (۱)

نماینده کارفرمایان - در ابتدا یادآوری کرد که این موضوع علیرغم دوسال فاصله ، سالها در این کمیته مورد بحث بوده است ، برایش يك پاراگراف مخصوص در نظر گرفته شده که گاهی نشاندهنده نقص در اجراء بوده است . آنها به متن های قانونی ذکر شده در گزارش کمیته کارشناسان اشاره کردند و از دولت خواستند که در مورد بخشنامه ۲۵ فوریه ۱۹۹۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی که انتشار و حتی وجودش طبق گفته نمایندگان دولت روشن نیست و نیز در مورد دستور ۸ دسامبر ۱۹۸۱ وزارت کار که بنظر میرسد ملغی شده باشد و متن آن شامل گزارشی است که برای کار کمیته کارشناسان و این کمیته مفید است ، توضیح بدهد. بعلاوه ، نماینده کارفرمایان از دولت خواهش کرد که در مورد چگونگی تنظیم و اصلاح دستور نخست وزیر که در گزارش کمیته کارشناسان ذکر شده است در صورت اثناء توضیح بدهد. در مورد وضع زنان کارگر نماینده کارفرمایان اظهار کرد که نمی تواند در مورد آمارهای ارائه شده بوسیله نماینده دولت که ظاهرا نشان می دهد که زنان کارگر دیگر تحت تبعیض مذکور در گزارش کمیته کارشناسان نیستند، اظهار نظر کنند. آنها به پاراگراف گزارش کارشناسان راجع به معیارهای عمومی برابری اشاره کردند و با توجه به نظر دولت در باره اینکه قانون کار به درخواستهای آئین نامه پاسخ داده است ، در مورد اصلاح قانون اظهار تردید کردند. چون تفسیر کارشناسان تناقض بین دو متن را نشان می داد. نماینده کارفرمایان نتیجه گیری کرد که موضع نمایندگان فعلی دولت با نمایندگان قبلی اختلاف دارد. نمایندگان قبلی یا واقعیات اظهار شده بوسیله کمیته کارشناسان را منکر می شدند و یا از اقدامات دولت تا جاییکه با قوانین اسلام منطبق بود دفاع می کردند و یا ترکیبی از هر دو موضع .

«اظهارات نمایندگان کارگر آی . ال . او» (۱)

نماینده کارگران ، ضمن قدردانی از پاسخ مفصل نمایندگان دولت ، تاکید کردند که بهر حال پاسخ ها تصویر روشنی از اوضاع نمی دهد. بعضی واقعیات ذکر شده در گزارش کمیته کارشناسان - مثلا بخشنامه فوریه ۱۹۹۱ - از طرف نمایندگان دولت انکار می شود. معهذا آنها از تمایل دولت به ارائه اطلاعات و مدارك مربوطه به کمیته کارشناسان (آی.ال.او) راضی بودند. در مورد وضع زنان کارگر اظهار داشتند که اطلاعات و آمار بسیاری که توسط دولت تهیه شده ، می بایست از سوی کمیته کارشناسان مورد بررسی قرار گرفته و با ارقام جداگانه برای هر بخش و شغل و طبقه بندی های مربوطه تکمیل شود.

مقامات صلاحیت دار وجود دارد. در رابطه با بستن موسسات متعلق به بهائی ها، ماده ۳۹ قانون تنظیم امور تجاری تمام افراد ملت را مساوی در نظر می گیرد. دستور نخست وزیر در سال ۱۹۸۹ که رسماً مورد تایید رئیس جمهور قرار گرفته است عدم تبعیض در باره موسسات و آموزش بهائی ها در مدرسه و دانشگاه را شامل می شود. او بستن کلاسهای متعلق به اشخاص بهائی را در ژانویه ۱۹۹۱ انکار کرد. او هرگونه تبعیض علیه وزارتشی ها منجمله حق اداره موسسات تجاری را نیز انکار کرد و تمایل دولت را برای بررسی هرگونه ادعا اعلام داشت . نماینده جمهوری اسلامی همچنین اظهار کرد که هرگز بخش نامه ای از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی در این باره انتشار نیافته است. در رابطه با نکته هفتم گزارش کمیته کارشناسان (ILO) مدارك مربوطه ضمیمه می شود. در مورد نکته هشتم، قانون اساسی جمهوری اسلامی در موارد مربوط به قانون مدنی يك نهاد قضائی برای تنظیم دادگاههای مطابق با قوانین و مراسم منجبی پیش بینی می کند. او در رابطه با فراماسیونرها گفت که این سازمان فعالیت هایش را در کشور خاتمه داده است و هر شکایتی در مورد اخراج باتهام عضویت در این سازمان به دادگاههای اداری ارجاع می شود.

ثانیا، در مورد وضعیت زنان کارگر ، او آخرین آمار مربوط به زنانی را که به تحصیلات عالی اشتغال دارند، ارائه داد: (۳۲۸۶ زن در زمینه های مهندسی و کشاورزی : چهار دانشکده پلی تکنیک دولتی بترتیب ۵۳۳ ، ۵۹۷ ، ۸۳۶ و ۵۵۷ شاگرد زن دارند که ۳۴ نفر از آنها در فلز شناسی تحصیل کرده اند ۷۴۳ نفر کشاورزی و ۵۵۹ نفر در رشته حقوق تحصیل کرده اند). بدین ترتیب او تبعیض جنسی را در تحصیلات عالی و آموزشهای حرفه ای انکار کرد و اظهار داشت که محدودیت های شغلی زنان بقصد جلوگیری از تاثیر (شرایط) زیانبار کار(برای آنها) است . در رابطه با قضات ، زنان می توانند مشاغل مختلف قضائی را بدون محدودیت جنسی و بر حسب مدارج تحصیلی بدست آورند. او گفت که حکومت و قوه قضائیه تصمیم دارند که شرکت زنان را در فعالیت های قضائی گسترش دهند و بوجود بیش از ۲۵۰ وکیل زن اشاره کرد. ثالثا در رابطه با معیارهای عمومی برابری به ماده ۶ قانون جدید کار اشاره کرد که مثل ماده ۳۸ از ماده ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی الهام می گیرد که هرگونه تبعیض در استخدام و اشتغال را ممنوع می کند. ماده ۶ قانون کار حمایت قانون کار را در برابر همه اشکال تبعیض آنطور که در ماده ۱ پاراگراف (a) ۱ آئین نامه آمده است ، یعنی تبعیض مذهبی ، سیاسی و اجتماعی بسط می دهد.

یا شرکت در تشکلات کارگران و یا کارفرمایان ، بدون هیچ گونه تبعیضی اشاره کرد.

در مورد کارگران زن ، وی به اهمیتی که حکومت برای فرصت های مساوی برای دو جنس در بازسازی و نوسازی بعد از جنگ (۱۹۸۹-۱۹۸۱) قائل است ، اشاره کرد. سپس ادامه داد که در قانون کار اصل عدم تفاوت در دستمزد دو جنس رعایت شده است . او مجددا وجود بخشنامه شورای عالی انقلاب فرهنگی را انکار کرد. در خاتمه وی کنفرانس وزرای کار آسیا را اقیانوس آرام به میزبانی جمهوری اسلامی را بعنوان نمونه ای از تعهد دولت به موازین بین المللی یادآوری کرد.

«اظهارات کمیته کارشناسان آی . ال . او» (۱)

کمیته اطلاعات ارائه شده از سوی دولت را دریافته کرده و اظهاراتش را مبنی بر پیروی از اصول سازمان بین المللی کار ملاحظه نمود. کمیته همچنین اظهارات دولت مبنی بر عدم وجود اخراج تبعیض آمیز، اجرای بیمه های اجتماعی بطور برابر و بدون هیچگونه تبعیضی و رفتار مساوات جویانه با اقلیت های مذهبی و سایر افراد ملت را ملاحظه کرد. دولت همچنین بیان کرد که فراماسیون بودن طبق قانون قابل مجازات نیست و تعلیم حرفه ای برای زنان بطور پیوسته در حال افزایش است . با این وجود کمیته اظهار نگرانی کرد ، چرا که همانطور که قبلا ذکر شده بود، میان قانون و عمل دولت با منشور(کنوانسیون «آی.ال.او» تناقض وجود دارد و (هنوز) از بین نرفته است . کمیته اظهار امیدواری کرد که دولت شرایط تبعیض آمیز استخدام برای اقلیت های مذهبی که بارها مورد بحث قرار گرفته است ، اما علیرغم این هیچ پیشرفتی در این زمینه حاصل نگشته را از بین ببرد. کمیته همچنین در مورد وضع زنان کارگر، بخصوص امکانات برابر برای استخدام، علیرغم امکان تحصیلات دانشگاهی بسیاری از زنان ، اظهار نگرانی کرد . کمیته اظهار امیدواری کرد که گزارش بعدی دولت نشاندهنده گام هایی در جهت الغاء بخشنامه ۲۵ فوریه ۱۹۹۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی در ارتباط با استخدام افراد بهائی و همینطور پیشرفتهائی در جهت حذف محدودیت کار زنان باشد. کمیته اظهار اطمینان کرد که بر اساس اطلاعات تفصیلی اعلام شده توسط دولت ، کمیته کارشناسان بتواند در آینده نزدیک در ارتباط با موضوع مورد نظر ، شاهد پیشرفت های واقعی باشد.

مترجم : ح . آزاد

توضیح :

۱- ما برای هر قسمت از صورتجلسه سر تیتراهای برای گویاتر نمودن مطلب انتخاب کرده ایم که در متن اصلی نیستند.

در مورد نکته ۱۳ گزارش فوق ، یعنی ممنوعیت زنان در عرصه های شغلی ای که برای سلامتیشان مضر است ، آنها از دولت خواستند تا اطلاعات مشخص تری ارائه دهد. همینطور در مورد وضع زنان در بالاترین مشاغل قضایی چنین درخواستی مطرح شد.

در مورد اقدامات پیرامون برابری : نمایندگان کارگران از حکومت خواستند تا روشن تر کند که قوانین ملی منطبق با ماده ۱ پاراگراف (a) ۱ کنوانسیون است . آنها از نشانه های مثبت در نکته شماره ۱۶ گزارش کمیته کارشناسان اظهار رضایت کردند. در پایان ، هیئت فوق اظهار امیدواری کرد که اطلاعات بیشتری در موارد بررسی شده توسط شورای عالی کار دریافت نمایند. نمایندگان کارگران نتیجه گیری کردند که کمیته کارشناسان باید بیشتر مواظبت کند و تاکید نمودند که دولت باید اطلاعات بیشتری تهیه کرده و با کمیته کارشناسان ارتباط فشرده تری داشته باشد.

«نماینده کارگران هلند - عضو هیئت» (۱)

نماینده فوق الذکر اظهار داشت که مواضع قبلی و کنونی دولت (ایران) با هم خوانائی ندارند. وی تغییر مواضع دولت نسبت به موازین بین المللی کار ، و اینکه تا چه حد این موازین را برسمیت می شناسد را سنوال برانگیز دانست . در رابطه با بهائی ها او یادآوری کرد که در گذشته دولت آنها را جاسوس می دانست ولی حالا طبق حرفهای نماینده دولت ، آنها بطور قانونی حقوق بازنشستگی دریافت می کنند. در مورد وضع زنان کارگر او پیرامون شوراهای اسلامی کار خواستار اطلاعات بیشتری شد.

«نماینده کارگران آلمان - عضو هیئت» (۱)

نماینده فوق الذکر از دولت تقاضا کرد که آمار را به درصد ذکر کند تا کمیته کارشناسان بتواند وضع زنان کارگر را بررسی کند. وی از کمیته خواست تا اطلاعات لازم در باره آموزش و وضعیت آموزشی را از دولت دریافت کند. در پایان وی با آخرین سخنران در باره عدم جدیت دولت در قبول موازین بین المللی کار اعلام هم نظری نمود.

« صحبت های نماینده دولت جمهوری اسلامی » (۱)

نماینده دولت مجددا تاکید کرد که دولت متبوعش تمایل دارد که ملاحظات کمیته کارشناسان را صمیمانه و صادقانه در نظر بگیرد. وی بر کوشش های دولت برای تهیه و ارائه اطلاعات مورد درخواست منجمله کپی متن دستور نخست وزیر و دستور وزارت کار تاکید کرد. در مورد شوراهای اسلامی کار گفت که عضویت در این شوراها حرفه ای (شغلی) نیست و خصلت مشورتی دارد و فلسفه این شوراها تهیه برنامه و ایجاد هماهنگی برای پیشرفت کارخانه با همکاری کارگر و کارفرما است . او به ماده ۱۳۱ قانون جدید کار در رابطه با حق ایجاد

واکنش خانه کارگر در مقابل گزارش «آی - سی - اف - تی - یو»

توضیح کوتاهی در باره موضوع :

همانگونه که در مقدمه توضیح داده شد، دبیر کل خانه کارگر در واکنش به گزارش کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری آزاد، نامه ای خطاب به دبیرکل «آی ال او» نوشته است. این نامه از طرف عوامل رژیم در هشتادمین کنفرانس بین المللی کار پخش شده است.

چنانکه از متن این نامه مشخص است، کارگزاران جمهوری اسلامی هیچ دلیل برای رد این گزارش ارائه نداده اند و تنها به حربه تکذیب و منتسب نمودن اطلاعات این گزارش به رقیب اسلامی شان (سازمان مجاهدین خلق) متوسل شده اند.

اما حتی تشبیه رژیم به نسبت دادن این گزارشات به رقیب اسلامی اش نیز واقعیت ندارد، چرا که اخبار و اطلاعاتی که در رابطه با اعتصابات و حرکات اعتراضی

به دبیرکل «آی ال او»

از خانه کارگر جمهوری اسلامی ایران

موضوع : اتهامات مطروحه در گزارش سالیانه «آی . سی . اف . تی . یو» در باره نقض حقوق اتحادیه ای کارگران در جمهوری اسلامی ایران .

آقای هانسن عزیز !

کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری آزاد «آی . سی . اف . تی . یو» در گزارش سالیانه نقض حقوق اتحادیه های کارگری در سال ۱۹۹۳، بطور مستقیم به سرکوب و ممانعت از فعالیت های اتحادیه های کارگری در جمهوری اسلامی اشاره نموده است. بعلاوه این بررسی مدعی است که خانه کارگر، اتحادیه اصلی کارگران ایران، یک سازمان وابسته به دولت است و توسط وزارت کار هدایت می شود. این کنفدراسیون با روش بکارگیری نقل قول در سطحی گسترده از حرکات کارگران در ایران، گزارشهایی را به درج رسانیده است. همچنین به شکلی غیر اصولی مدعی شده است که پانصد کارگر اتحادیه گرا از زمان پیروزی انقلاب اسلامی اعدام شده اند.

این گزارش بطور غیر منصفانه و یک جانبه ای تنظیم شده است، خود گزارش مدعی است که مآخذ اطلاعات خود را بر اساس منابع زیر بدست آورده است :

- اداره بین المللی کتاب آمار کارگری

- برنامه توسعه سازمان ملل، گزارش توسعه انسانی

سال ۱۹۹۲

— L'Etat du monde 1993. Annuaire économique et géopolitique

از طریق بررسی منابع اطلاعاتی، روشن گردید که جدا از

کارگران در این بولتن آورده شده غالباً توسط رسانه های رسمی و جهانی منعکس و خیر آن در ابعاد بین المللی منتشر شده است. بعلاوه اسامی بیش از ۵۰۰ کارگر ایرانی که توسط رژیم اعدام شده اند و یا رابطه تشکیلاتی خانه کارگر و وزارت کار و... با اسناد و مدارک غیر قابل انکاری توسط انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی منتشر و به تمامی تشکلهای کارگری و نهادهای بین المللی ارسال شده است.

نامه خانه کارگر جمهوری اسلامی به دبیر کل «آی ال او» سندی است که خود به خوبی درماندگی و دستپاچگی این ارگان ضد کارگری را در مقابل گزارش «آی . سی . اف . تی . یو» نشان میدهد. پس بهترین کار این است تا با چاپ ترجمه آن موضوع را در معرض افکار عمومی قرار دهیم :

ملاحظه بر روی اطلاعات کشوری، هیچ مرجع دیگری، هرگز راجع به محتوی ادعاها ذکر بعمل نیاورده است. اگر چه عکس تحریک کننده در صفحه مقابل گزارش، رهبر رسوای شناخته شده گروه مخالف ایرانی بنام سازمان مجاهدین خلق را مجسم میسازد و این امکان را بجا میدهد تا ما به بانک اطلاعاتی «آی . سی . اف . تی . یو» دسترسی پیدا کنیم. اسناد ضمیمه شده از میان صدها صفحه نشان میدهد که چهره تروریستی گروهی از تروریستها که خودشان را بعنوان وکیل مدافع حقوق کارگران معرفی می کنند، بمنظور پیشبرد عنادورزی و اهداف سیاسی، بوضوح در گمراه ساختن دبیر کل «آی . سی . اف . تی . یو» موفق بوده اند.

با رد بدون قید و شرط تمام اتهامات بی اساس مطروحه بوسیله گروه تروریست «پی . ام . او . آی» و سخنگویی «آی . سی . اف . تی . یو». ما با احترام تقاضا داریم که شما با مکانیزمهای نظارتی «آی ال او» صحت و سقم آنها را مورد بررسی قرار دهید.

یا : با روشن ساختن هرگونه زمینه احتمالی ناروشتی، ما مایل به پذیرائی نماینده «آی . سی . اف . تی . یو» در ایران هستیم تا از اینطریق آنان بتوانند به بی غرضی و تصویر گویای اتحادیه های کارگری در ایران پی ببرند.

ما امیدواریم یکبار دیگر مشاهده کنیم که «آی . ال . او» نقش خویش را در حراست از حق و منافع اتحادیه های کارگری مستقل و آزاد ایفا نماید.

باکمال احترام

دبیر کل خانه کارگر

ع . ر . محبوب

اتحادیه های کارگری در ایران غیر قانونی شمرده می شوند

شیراز، اصفهان، آبادان و تبریز گسترش می یابد، پخش شد. مطالبه کارگران اضافه دستمزد، پرداخت اضافه کاری و از میان بردن قانون ضد اتحادیه ای بود. گزارش شده که در اعتصابات صنعت نفت، یک اعتصاب غذا بوسیله کارگران در مرکز توزیع نفت شهری در جنوب تهران و یک راهپیمایی اعتراضی بوسیله ۲۰۰۰ کارگر، در اعتراض به عدم به رسمیت شناختن خواسته هایشان توسط دولت بر پا گشته است.

مواردی مثل اعتصابات توسط معلمان در اصفهان طی ماه ژانویه، اعتصاب در یک بنگاه انتشاراتی در تهران، اعتصاب در یک کارخانه در کرمانشاه، در فوریه در منطقه آمل (۱)، گزارشهایی را به خود اختصاص داده اند. این اعتراضات با سرکوب مواجه شدند. گزارش شده است که صدها نفر دستگیر شده اند و ۱۳ نفر به اعدام محکوم شده اند، بقیه زندانی شده و تحت شکنجه قرار گرفته اند. با این وجود، شواهد نشان میدهد که اعتصابات در ماه های مه و ژوئن ادامه داشته اند.

توضیح:

۱- در متن اصلی این قسمت گویا نیست. شکل اصلی بدین قرار است:

... and Tamol Local Government in February.

متن زیر گزارش سالیانه کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری آزاد در باره ایران است. این گزارش در سال ۱۹۹۳ منتشر شده است.

در ایران شوراهای اسلامی در محل کار برای ترویج و تبلیغ فرهنگ اسلامی، برای دفاع از دستاوردهای انقلاب (اسلامی) ایران، برای پیشبرد اهداف رژیم و برای بی مورد جلوه دادن لزوم سازمانهای مستقل و حقیقی کارگری فعالیت می کنند. شوراهای اسلامی زیر پوشش «خانه کارگر» با پشتیبانی دولت و توسط وزارت کار هدایت می شوند.

برآورد میشود که پس از بقدرت رسیدن رژیم اسلامی، پانصد کارگر اتحادیه ای اعدام شده اند.

در طی این دوره، کارگران ایرانی با سرکوب و اختناق دولتی و ممنوعیت فعالیتهای اتحادیه ای مواجه بوده اند. (آنها علیرغم این شرایط) در اعتراض علیه شرایط اقتصادی وخیم خود، یک سلسله اعتصابات خودبخودی که از اواخر سال ۱۹۹۱ آغاز و تا سال ۱۹۹۲ ادامه داشته، انجام داده اند.

در دسامبر ۱۹۹۱، ابتدا گزارشهایی از فعالیتهای کارگران پالایشگاه نفت تهران که سپس شکل سراسری به خود گرفته و به سرعت به سایر پالایشگاههای ایران در شهرهای

دبیرکل خانه کارگر:

از سوی سازمان بین المللی کار مورد اتهام قرار گرفتیم!

اتهام قرار میدادند...» اعتراف محجوب نشانگر این واقعیت است که تلاش هایی که توسط فعالین کارگری در خارج کشور در جهت افشای تشکلهای دست ساز رژیم در کارخانه ها صورت گرفته، تاثیر خود را بر فضای کنفرانس اخیر سازمان بین المللی کار نیز به جای گذاشته است و در آن جلسه علیه شوراهای اسلامی و سایر تشکلهای فرمایشی رژیم در کارخانه ها موضع گیری شده است.

علیرضا محجوب دبیر کل خانه کارگر جمهوری اسلامی، روز پنجشنبه ۱۷ تیر ۷۲ در جلسه «دبیران اجرایی خانه کارگر سراسر کشور» ضمن اشاره به کنفرانس اخیر سازمان بین المللی کار گفت: «تشکیلات بین المللی کاربرد داشت صحیحی از نحوه عملکرد تشکیلات کارگری ایران و بخصوص شوراهای اسلامی کار ندارند و با موضع گیریهای نادرست خود، ما را مورد

سرنگون باد رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی!